خلج تیلی گرامری

ÎELEC TİLİ GIRAMIRİ

آشنایی با دستور زبان خلجی

Ali Asḳer Cemrasi

علی اصغرجمراسی ۲۰۱۴/۱۳۹۲

۱. ارزش و اهمیت حفظ زبان

زبان سند هویت هر ملتی است . سندی که اثبات آن تبلـور ذات هرخلقـی‌اسـت. در واقع موجودیت هر ملتی در این کره خاکی نشانگر حضور زبانی اوست. زبـانی کـه مـورد تکلم واقع می شود از طریق اصوات، هجاهـا و آثـار مکتـوب سـند زنـده ای بـر جـای می‌گذارد، سندی که جزیی از میراث بشری است و بر همه انـسانهای فکـور اسـت کـه از موجودیت ، حق حیات و فضای تنفسی آن زبان در ابعاد گوناگون مدافعه نمایند. این سند در وجود فیزیکی و آثار معنوی میلیونها انسانی حک شده که به آن زبان سخن میگوینـد. بنابراین رسمیت هر زبانی را نه حاکمان، بلکه خود ملتی که به آن زبان لب مـی‌گـشایند، تعیین می‌کنند. پس به سخنی، هر زبان برای ملت صاحب زبان رسمی است. زبـان ضـمنا آئینه‌ای است که هر ملتی خود را، در گذرگاه تاریخ، درآن مشاهده مـی‌کنـد. ایـن سـند زنده در آئینه تاریخ جهان می‌درخشد هرچند که عده‌ای بخواهند این سند و این آئینه را مخدوش و تیره ببینند.

زبان هیچ ملتی در عرف بین الملل نیازی به اثبات ندارد، بزرگترین دلیل وجـودی هـر زبانی حضور ملتی است که به آن زبان تکلم می‌کنند و با این طریق کاروان تمـدن بـشری را غنا می بخشند، خواه این متکلمین زبانی میلیـونی باشـد یـا کمتـر. کمیـت در عرصـه موجودیت زبانی زیاد مورد اختلاف نیست. زبان ها با تفاوتهای خویش موزائیـک زیبـائی از ملل و نحل در جهان پدید آورده اند. برای مثال با مطالعـه اشـعار نـسیمی و اثـر مانـدگار شهریار« حیدر بابایه سلام» نیز خواننده در مسیر رودخانه ای سیر می‌کندکـه روح و روان مردم ترک آذربایجان را به تصویر می‌کشد.

۲. شاخه های زبان ترکی

خانواده‌ی زبان‌های ترکی اشتراکات بسیار نزیکی به‌یکدیگر نشان می‌دهند. این همانندی درعرصه آواشناسی،مورفولوژی (تحولات‌لغوی) و ساختار نحوی‌آن‌ها است.دربین این زبان‌ها تنها زبان‌های چواش، خلج و باکوت(یاقوت) با دیگرخانواده زبان‌های ترکی تفاوت قابل توجهی دارند. زبانهای‌ترکی‌با توجه به ریشه‌های تاریخی، معیارهای جغرافیایی واصول زبانشناسی به شاخه های زیر تقسیم می‌شوند:

۱.زبان‌های اوغوز یا زبان‌های جنوب غربی:

شامل زبان‌های ترکی عثمانی،قاقوز Gagaus، ترکی (آذربایجان)،ترکمن، و ترکهای خراسان در این طبقه بندی به لحاظ توجه به اشتراک زبان‌ها از نظر موقعیت جغرافیایی جایگاه زبان ترکی امروزی آذربایجان ایران نیز مشخص می شود.

۲- زبان‌های قبچاق یا زبان‌های شمال غربی:

این شاخه شامل زبان‌هایی از خانواده زبان‌های ترکی است که عبارتند از زبان‌های قازاق، قره قالپاک، نوقای،تاتار،و باشقیر، لهجه های سیبری غربی، تاتارهای کریمه، کوموک (قوموق)،کاراچای، بالکار و کارا ایت Kara ité.

۳- شاخه جنوب شرقی یا گروه اویغور چاغاتی uyghur chaġati که در برگیرنده زبانهای اوزبک، اویغور، اویغور زرد، و سالار Salar با ریشه اوغوز.

۴- گروه شمال شرقی یا سیبریایی:

شامل زبانهای یاکوت Yakut (ساخا)، دولقان Dolġan، آلتای،خاکاس، شور Shor تووان Tuvan، و توفا Tofa.

۵- زبان چوواش که زبان منطقه ولگاست.

۶- زبان خلج khalaj زبان متباعد مرکزی ایران است.

زبان خلجی که به باور محققان در حال از بین رفتن است،جزو هیچکدام‌از گروه‌های ششگانه ترکی (جنوب غربی یا اغوز،شرقی یا ایغور اوزبک، شمال غربی یا گروه قبچاق،

شمال شرقی یا جنوب سیبری و یا قوت و چوواش)نبوده، بلکه حسب نظر «پرفسور گرهارد دورفر» دانشمند شهیرترک شناس‌آلمانی زبان ترکی خلجی در این‌تقسیم بندی جزوه گروه زبان‌های آلتایی شاخه‌ترکی مستقل را تشکیل می‌دهد،که قدیمی ترین لهجه زبان ترکی محسوب می‌شود.

درترکی خلجی آثارترکی قدیم (گؤگ تورک) و حتی ترکی مادر (پروتو تورک) باقی مانده است. لذا به همین سبب ازنظر زبان شناسی ترکی دارای اهمیت خاصی است.[1]

۳. پژوهش‌های موجود در زمینه‌ی زبان خلجی

در زمینه ریشه شناسی زبان[ترکی]خلجی مینورسکی اولین محققی بود،که درسال ۱۹۴۰ میلادی، زبان خلج ها را مورد مطالعه وکنکاش قرار داد . پس از وی یک محقق ایرانی به نام دکترمحمد مقدم مطالعه مفیدی پیرامون این زبان به عمل آورد؛ آنگاه پرفسور گرهارد دورفر استاد (دانشگاه گوتینگن) محقق وترکولوژ شهیرآلمانی درسال ۱۹۶۸ میلادی پس از سفر به منطقه خلجستان تحقیقات ارزنده‌ای در این زمینه بعمل آورد ،در واقع از ایشان به عنوان نخستین محققی که زبان خلجی را به جهانیان معرفی‌کرده‌اند می‌توان نام برد. هرچندکه مطالعات ارزنده دکتر جواد هئیت، دکتر زهتابی و دیگر محققین کشورمان در این مسیر قابل تأمل و تقدیراست.

۴.مشخصات و ویژگی های زبان خلجی

محققین و زبان شناسان شرقی و غربی از جمله گرهارد دو فر، دکتر جواد هیئت و دکتر محمدزاده صدیق براین عقیده اندکه زبان[ترکی] خلجی قدیمی‌ترین لهجه‌ی زبان ترکی است و در آن ویژگی‌های زیر دیده می‌شود:

۱.«ه» اول کلمات از دوران ترکی مادر (قبل از ترکی قدیم قرون۷-۶ م) به طور سیستماتیک باقی مانده و درصورتی که سایر لهجه‌های ترکی: آذری، قوموق،اوزبکی،

---

۱. جهت مطالعه بیشترمراجعه کنیدبه : دکترجوادهیئت«سیری درتاریخ زبان و لهجه‌های ترکی»تهران۱۳۸۰ نشرپیکان ص۲۴-۱۸

اویغور جدید و قارا قالپاق، به‌طور نادر دیده می‌شود. مثل: هاز/haz (آز/کم)، هاغاچ /haġaç (آغاج/ درخت)، هو/hev (ائو/خانه) هؤزؤم/hüzüm (اؤزوم/انگور) ، هوچاق/ huçaḳ (اوجاق)، هتک/hetek (اتک/ دامن).

به‌نظر «گرهارد دورفر»[۲] مهمترین ویژگی زبان خلجی در آن است که بسیاری از ویژگی‌های ترکی باستان را درآواهای خود حفظ کرده است. به عنوان مثال حرف [ه] از دوران پروتو تورک باقی مانده و قبلا هم [پ] بوده است. بنابر این[ترکی] خلج از ترکی قدیم یعنی زبان گؤگ تورک‌ها که درکتیبه‌ی اورخون باقی مانده است قدیمی‌تر است.

۲.صدای«د» مانند ترکی قدیم درترکی خلج هم باقی مانده وبه [ی] تبدیل نشده است. مانند: هاداق/ hadaḳ (آیاغ= پا)، بودا / buda (بویا=رنگ)،بؤد/bod (بوی/ قد) اودانماق/ udanmaḳ (اویانماق/ بیدار شدن)،اودوماق/udumaḳ (اویوماق/خوابیدن)، هادورو /haduru (آیری/جدا)، قادون/ḳadun (قایین/برادر زن وشوهر).لذا این صدا در زبان‌های زنده‌ی ترکی فقط در ترکی تووا (جنوب سیبری) باقی مانده است.

۳.حرف«ک» در اول کلمات مانند ترکی قدیم به جای (گ) حرف (ک)موجود است. مثل: کؤن/kün (گون=آفتاب،روز)،کئچه/kéçe (گئجه/شب)، کؤرمک/körmek (گؤرمک /دیدن)، کؤز/köz (گوز/ چشم).

۴.حرف«ی»دراول کلمات اکثرا باقی مانده است. مانند:ییل/yil (ایل/سال) ،

۲.گرهارد دورفرGerhard,Doér,Fer ، درهشتم مارس ۱۹۲۰ درشهر کونیگبرک آلمان بدنیا آمد. کودکی خودرا دراین شهر وازسال ۱۹۲۸ به بعد دربرلین گذراند. وی که ازسال۱۹۳۸تاسال۱۹۴۶ میلادی درآلمان نازی مشغول کاربوده است. بعدها به خدمت سربازی رفت و درجنگ به اسارت درآمد.بین سال های ۱۹۵۴-۱۹۴۹در برلین در نزد کارل هاینریش منگسheinrich menges **karil** به تحصیل ترکولوژی ونزد، ر.هارتمانR.Hartmann آلتائیستیک ونزد و.برائونهW.Braune اسلام شناسی ونزد، او.هانسن O.Hansen ایران شناسی پرداخته اشت. اودرسال ۱۹۵۴ میلادی تز دکترای خود را دربارهٔ سینتاکس تاریخ پنهان مغول ها به پایان رساند و درسال۱۹۶۹ به همراه هیئتی به ایران آمد وتحقیقاتی درروستاهای تلخاب،خلت آباد و واشقان فراهان از استان مرکزی به عمل آورد.حاصل این تحقیقات کتابی به نام ماتریال خلج Khalaj Material درسال ۱۹۷۱ به زبان آلمانی منتشر شد.ودرتاریخ ۲۷ دسامبر ۲۰۰۳ میلادی فوت نمود.

ییلان/yılan (ایلان/ مار)،ییرتیق/yirtiḳ (ایرتیق/ پاره)،ییراق/yıraḳ (ایراخ/دور).

۵. درترکی خلجی برخلاف لهجه‌های ترکی غربی در اول کلمات به جای [د] حــرف [ت] موجود است. مانند: تیل/til (دیل/ زبان)، تیش/ tiş (دیش/دندان)،تۆش/töş (دوش/ سینه) تیرناق / tırnaḳ (دیرناق/ ناخن)،تیز/ tiz (دیز/ زانو)،تۆرت/ tört (دورت /چهار).

۶. در شاخه‌ی خلجی زبان ترکی، حروف[ق] و [گ]ترکی قدیم در بسیاری از کلمات باقی مانده است.مانند:سیچقان/sıçḳan (سیچان/موش)تاوۆشقان/ tavuşḳan یا تووشقان/tuvuşḳan دوشان/خرگوش)، یۆنگ/yüng (یون/پشم)،گۆش/gevş نشخوار، کۆرگه‌ک/körgek (کوره‌ک/ پارو).

۷.حرف«غ»درترکی خلجی اغلب اوقات در وسط کلمات به شکل [ق]تلفظ می‌شود. مانند:هاغاچ/haġaç (آقاج/درخت)،سیقیر/siḳir (سیغیر/گاو)،یاقیش/yaḳış(یاغیش باران).

۸. درآخر اغلب کلمات کسره و فتحه باقی مانده وتبدیل به(ایی/İ)نشده‌است. مانند: تیشئ/tişé (دیشی/مونث)،ترئ teré(دری/پوست)،اَککئ /ekké (اککــئ/دو). ییگیرمــئ (بیست).

۹.کلماتی که درترکی جدید به [خ]ختم می شوند،اکثرا در ترکی خلجی‌به [غ/ق] ختم می گردند. مانند: توق/toḳ (توخ/سیر)،قــولاق/ ḳulaḳ (قــولاخ/گــوش)،بارمــاق/ barmaḳ (بارماخ / انگشت)، تورپاق /turpaḳ (تورباخ/خاک)،اۆزاق/uzaḳ (اوزاخ/دور).

۱۰. درترکی خلجی بجای (دگیل=نه) مانند ترکی قدیم آرگو از کلمه داغ/daġ استفاده می‌شود. مانند: هوچه داغ/hevçe daġ درخانه نیست، بو قلم داغ/bu ḳelem daġ ایــن قلم نیست.

۱۱.درترکی خلجی پسوند مفعول عنه(از) مانند ترکی قدیم (دا)یا (ده) می باشد در حالی که در ترکی جدید امروزی،(دان) و(دن) است.مثال:

کیتابیْ اوندا آلدوم/kitabı unda aldum (کتاب را از او گرفتم)،بیز او بوز سودا ایشتیک /biz u boz suvda iştik (ما از آن آب خنک میل کردیم). نئرده کئلی یورین؟ (از کجا می‌آیی؟).

۱۲. سیستم سه‌گانه صائت‌ها (کوتاه، بلند، دیفتونگ) از زمان ترکی مادر باقی مانده است درصورتی که در اغلب لهجه‌های ترکی صائت‌ها کوتاه و یا نسبت به سابق کوتاهتر شده‌اند. مانند: اوون/uon اون /ده)،اوو /uo (یوخو/خواب)، هَو/Hev (ائو/خانه)، کوّن/kün (گون/روز)، قول/ ḳol (قول/ بازو)، یورقان/ yorḳan/ لحاف.

۱۳.حرف(نی ny) ترکی قدیم که درترکی اوغوز و بسیاری لهجه های‌دیگربه (ی) تبدیل شده درترکی خلج مانند ترکی قدیم آرگو به (ن)تبدیل شده است. مانند:قون ḳon =گوسفندکه درترکی قدیم، قونی و در ترکی امروزی قویون و درلهجه آذری قویون گفته می‌شود و اوْناماق/onamaḳ (اوْیوناماخ/ بازی‌کردن،رقصیدن).

۱۴. درترکی خلجی یک نوع صدایی مابین صدای(خ وغ)وجود دارد.این صدا اغلب بعد از یکی از حروف صدادار شنیده می‌شود.مانند: توغماق/toġmaḳ(زائیدن)،هاچوغ/ haçuġ (تلخ)،کاللوغ/kalluġ (بچه دار).

پرفسوردورفر، با مشاهده‌ی پاره‌ای ویژگی‌های مشترک ترکی خلجی وترکی قدیم آرگو به این نتیجه رسیده است که خلج‌های مرکز ایران اولاد همان آرگوها هستندکه در زمان محمود کاشغری یعنی نه‌صد سال قبل درآسیای میانه بین اسفیجاب (تالاس و بالاساقون) زندگی می‌کردند و ازترک شدن سغدی‌ها بوجودآمده اند.[۳]

۵. زبان گفتار خلجی

زبان گفتار یا زبان محاوره، همان زبانی است که اجماع مردم در محاورات ومکالمات روزمرّه‌ی خود به‌کار می‌برند. زبان تکلم هر قوم زبان طبیعی‌آن قوم است و به همین لحاظ از آن به عنوان زبان مادری و زبان خلق نیز نام برده می‌شود.

امروزه بیش‌از۲۵ هزار نفر درمناطق مختلف ایران بویژه خلجستان به زبان ترکی‌خلجی سخن می‌گویند. اما متأسفانه روز به روز از تعداد این افراد کاسته می‌شود،

۳ . بنگرید به: دکترجواد هیئت،تاریخ لهجه های ترکی ص۴۲۲

شایسته است، پژوهشگران و دانشمندان،زبان شناسان،تورکلوک‌ها /تورکولوژها و سایر مسولین و بزرگان جهت جلوگیری از انقراض این زبان چاره‌ای بیندیشند.

۵،۱. تفاوت های زبان گفتاری و نوشتاری

پایه‌های زبان نوشتاری در هر زبانی برمبنای زبان گفتاری آن بنا شده است و البته در هر زبان بین گفتار و نوشتارآن تفاوتهایی وجود داردکه این تفاوتها در سه زمینه گرامر، نحو و لغات مشهود است. به عنوان مثال اغلب کلمات علمی،سیاسی،فنی و... بیشتر درحوزه نوشتاری‌کاربرد دارند و کمتر در زبان گفتاری رایج می باشند و همین طور بالعکس کلماتی نیز هستند که فقط درحوزه زبان گفتاری (محاوره) کاربرد دارند و در حوزه زبان نوشتاری (کتابت) به نگارش در نمی‌آیند.

زبان نوشتاری وگفتاری از بسیاری جهات متفاوت است. با این حال برخی از اشکال به گفتار نزدیک‌تر از دیگران است، و بالعکس. در زیر به برخی از تفاوت های این دو اشاره می‌کنیم:

الف) نکاتی مهم در باب این مقوله

- نوشتن معمولا دائمی است و متون نوشتاری اغلب نمی تواند یکباره تغییر کند. گفتار معمولا گذرا است، مگر آن که ضبط شود و سخنران می‌تواند سخنان خود را اصلاح و یا تغییر دهند و به همراه خود ببرند.
- یک متن نوشته شده می تواند در زمان و مکان ارتباط بر قرارکند تا زمانی که زبان خاص و سیستم نوشتاری است که هنوز قابل درک باشد. گفتار معمولا برای تعامل فوری استفاده می‌شود.
- زبان نوشتاری گرایش به پیچیدگی و سخت تر و با جملات طولانی‌تر که با بسیاری از جملات تابع تر از زبان گفتاری است. نقطه گذاری و صفحه بندی متون نوشته شده نیز هیچ معادل زبان گفتاری نیست. با این حال برخی از انواع زبان نوشتاری، امثال پیام‌های فوری و ایمیل ها به زبان محاوره نزدیک تر است.

• زبان گفتاری به سمت وسوی مملو ازتکرار، جملات نـاقص، اصـلاحات و مزاحمـت، بـه استثنای سخنرانی‌های رسمی و دیگر اشکال سخنان نمایـشنامه‌ای،امثـال گـزارش هـا و نوشته ها برای نمایشنامه و فیلم.می باشد.

• هرچندکه زبان گفتاری ضامن بقای ادبیات شفاهی یک ملت می‌باشد اما زبان نوشتاری (کتابت) سبب پیشرفت و حلقه اتصال مابین گویشهای گفتاری(لهجه‌ها) یک زبان است.

به عنوان مثال با توجه به وجود لهجه‌های مختلف زبان فارسی نظیـر: مـشهدی، تهرانـی، یزدی، رشتی، سبزواری و...) وجود زبان نوشتاری واحد، باعث شده تاهمه این لهجه‌هـا بـه صورت یک مجموعه واحد از زبان درآیند و همگی گروهها (لهجه‌ها) درهنگام تقابل با هـم بر اساس زبان نوشتاری تدوین یافته صحبت می‌کنند.

که این مسئله درمورد زبان ترکی درایران با توجه به رسمی نبودن و فقدان زبان نوشتاری واحد،جهت لهجه‌های موجود از این زبـان (آذربایجـانی، قـشقایی، خراسـانی، ترکمنـی و خلجی ...)حلقه اتصال و یا به عبارتی زبان کتابت واحد موجود نباشد و زبان ترکـی درهـر منطقه برمبنای لهجه‌های خاص خود تکلم شود و نهایتا سبب گشته تا هر کدام از منـاطق ترک نشین، زبان ترکی را طبق لهجه خود بیاموزند.

ب) تفاوت بین نوشتن و سخن گفتن خلج

اطلاعات‌ما پیرامون منابع و نحوه‌ی نگارش وخط زبان خلجـی بـسیار انـدک و ضـعیف است، و تا کنون نوشته مدونی به زبان خلجی بدست نیامده است. شاید بتـوان گفـت کـه کتاب حاضر دومین مجموعه نوشتاری زبان خلجی است کـه نگارنـده بخـود جـرأت داده است، سرمایه های شفاهی این قوم کهن را از طریق کتابت به آیندگان برساند.

با اذعان به اینکه زبان ترکی خلجی نیز ازاین قاعده مستثنی نبوده و فقدان زبان کتابت در بین خلج‌ها،درک وتفهیم هر گویش از این زبان را برای سایر گویشها درهنگام تقابل بـا همدیگر مشکل ساخته است و کار را بجایی رسانده که در صورت مشکل تفهـیم و تفـاهم بلا فاصله با زبان فارسی با همدیگر سخن می‌گویند.

• پایداری و اعتلای هر زبان به حوزه نوشتاری وکتابت آن وابسته است و ایـن مـسئله در مورد زبان خلجی سبب شده تا درعین حال که هم خانواده و هـم ریـشه بابقیـه اقـوام ترک در داخل کشور است به مرور از قافله اعتلا و پیشرفت علمی روز فاصـله بگیـرد کـه خود این امر سبب شده است تا خصوصا در قرن اخیرکلیه لغات علمـی، فنـی و ... درزبـان خلجی به همان صورت فارسی، عربی و انگلیسی به کار برده شود.

مهمترین دلیلی که زبان ترکی خلجی برای اغلب ترکان ایران به دشواری ویا بـا دقـت بیشتری قابل فهم است جدای از تفاوت لهجه‌ها و آشنا نبودن اغلب ترکان ایران بـه زبـان نوشتاری خلجی ؛ وجود لغات ترکی قدیمی دراین زبان است که در نـزد اکثرترکـان ایـران غریب و نامفهوم است.

• آشکار است که آموزش زبان گفتاری درخانه و زبان نوشتاری درمدرسه می‌باشد. همان طور که متذکر شدیم، گفتار و نوشتار دو مقوله متفاوت ولی درعین حال وابسته به هم هستند.

• ادبیات مکتوب و نوشتاری هیچ زبانی را به صورت صحیح نمی‌توان بدون آموزش رسمی آموخت و باتوجه به این مسئله، اکثر ترکهای ایران درخواندن کتابهای ترکی یا نگارش آن به دلیل این که فاقد آموزش رسمی مدرسه‌ای هستند، دچار مشکل می‌باشند که این مسئله برای سایر زبانهای اقلیت ایران نظیر زبان کردی و... نیز وجود دارد.

• تفاوت گویش خلجی در بین گویشوران روستاهای خلج نشین(قم،آشتیان و فراهـان) به قدری مشهود است که بعضا اهالی یک روستا گویش خلجی دیگر روستا را نپـسندیده و آن را خلجی نمی‌داند.

در یک روستا نیز گاها برخی از صداها(واکه ها) بشکل متفاوت بیان می‌شود در زیـر بـه چند نمونه از این اختلاف محاوره‌ای و نوشتاری اشاره می‌کنیم:

اختلاف شکل محاوره دربین گویشوران	شکل نوشتار	معنی فارسی
کئز / kéz ،کؤز /köz	کؤز /köz	چشم

سئز / séz ، سؤز/ söz	سؤز / söz	حرف،سخن
کین / kin ،کۆن/ kün	کۆن/ kün	آفتاب
کیلمه / kilme ، کۆلمه/ külme	کۆلمه/ külme	خندیدن،خنده
بۆش/ boş ،باش/ baş	باش/ baş	سر
ییره‌ک/ yirek ،یۆره‌ک/ yürek	یۆرک / yürek	دل،قلب
اۆماق/ omaḳ ،اۆلماق / olmaḳ	اۆلماق/ olmaḳ	شدن،گردیدن
ذکر/ zikr ،ذیکیر/ zikir	ذیکیر/ zikir	ذکر،ثنا
فیکر/ fikr ،فیکیر/ fikir	فیکیر/ fikir	فکر،ایده
سیت/ sit ،سۆت/ süt	سۆت/ süt	شیر
ایچ/ iç ، اۆچ/ üç	اۆچ/ üç	سه
تئرت/ tért ،تۆرت/ tört	تۆرت/ tört	چهار
او/ u ،اۆ/ o	او/ u	او
اۆغول/ oġul ع،اوغول/ uġul	اۆغول/ oġul	پسر

باعنایت به مطالعات وکنکاش های بعمل آمده پیرامون الفبای کتابت لهجه‌های موجود زبان ترکی،الفبای‌لاتین و معادل آن الفبای فارسی ذیل با ۳۲ حرف که نه حرف آن [a,e,é,ı,i,o,ö,u,ü] صدادار و مابقی بی‌صدا می‌باشد، به‌منظور نگارش زبان ترکی‌خلجی جهت استفاده پژوهشگران،اساتیدفن، ترک شناسان‌و علاقمندان پیشنهاد می‌گردد. به امید روزی که دانشمندان و زبان شناسان وترک‌لوژهای کشورمان بتوانند الفبای کاملتری برای این زبان ارائه نمایند.

A/آ،ا - B/ب – C/ج –Ç/چ –D/د – E/ـَ،ا - É/اِ – Ff/ ف - G/گ – Ġ/غ –H/ح،ه
- Ö/اؤ – O/او – N/ن – M/م – L/ل – Ḳ/ق – K/ک – İ/ای – I/اي – J/ژ - Ĥ/خ –
P/پ - R/ر - S/س،ث،ص- Ş/ش – T/ت،ط – U/او – Ü/اۆ – V/ۋ – Y/ی – Z/ز،ظ،ذ،

شکل ونام حرف		مثال
آ،ا	*Aa	ḳar (برف)قار، alumla (سیب)آلوملا

berk(سفت) بەرک، boş(خالی) بۆش	Bb	ب
ciziḳ(خط) جیزیق، bicen(بیژن) بیجن	Cc	ج،ژ
biçaḳ(کارد) بیچاق، çay(رود) چای	Çç	چ
dam(بام) دام، bod(قد) بۆد	Dd	د
ebe(مادربزرگ) ابە، el (دست) اَل، êrin(لب) ارین	*Ee	اَ،-َ ،ع، ه َ
yél (باد) یئل، béri(گرگ) بئری	Éé	اِ،-، ائ، ئ، ه ِ
futa(لنگ) فوتا، kuf(تاب) کوف	Ff	ف
gul(گل) گول، kölge (سایه) کۆلگە	Gg	گ
haçuġ (تلخ) هاچوغ، baġ(باغ) باغ	Ġġ	غ(صدایی بین غ وخ)
her(مرد) هر، haz(کم) هاز	Hh	ح، ه
ĥelec خلج، ĥarr(لجن) خارا	Ĥĥ	خ
bacı(خواهر) باجی، yaşıl(سبز) یاشیل	Iı	ئی(اۆ)
(سگ)it/ایت، iç(درون) ایچ	*İi	ای
bijen/بیژن(اژدها)، ejderha/اژدرها	Jj	ژ
köz(چشم) کۆز، bekek (قلوه) بکک	Kk	ک
ḳar(برف) قار، aḳḳar(نهر) آققار	Ḳḳ	ق
til(زبان) تیل، lala(برادر) لالا	Ll	ل

maral (زیبا)مارال، ém(شلوار)ائم	**Mm**	م
unuń (مال او)اونوین، îne (سوزن)اینه	***Nn**	ن
ot(علف)اوٚت/ ḳon(گوسفند)قوٚن	**Oo**	اوٚ،ـــُ
ölke(کشور)اوٚلکه köz(چشم)کوٚز	**Öö**	اوٚ
padar(درشت)پادار، arpa(جو)آرپا	**Pp**	پ
refe(قفسه)رفه، bire (کک)بیره	**Rr**	ر
saġ،(سالم)ساغ، ses(صدا)سس	**Ss**	ص،س،ث
şaḳ(سفت)شاق eşge(الاغ)اَشگه	**Şş**	ش
tata(پدربزرگ)تاتا، süt(شیر)سوٚت	**Tt**	ت،ط
uzaḳ(دراز)اوزاق، (but(ران)بوت	**Uu**	او(کوتاه)
üç(سه)اوٚچ، küç(قدرت)کوٚچ	**Üü**	اوٚ(کشیده)
vaçaḳ(نصف)واچاق، av(شکار)آو	**Vv**	وٚ
yılan(مار)ییلان hay(ماه)های	**Yy**	ی
ziḳ(پر) زیق ciz(داغ)جیز	**Zz**	ز،ظ،ذ،ض

* چهارحرف بلند وکشیده زیر نیز ازملحقات این الفبا محسوب می شوند:

î,â,ê,û	او(خواب)/û،بعر(عرض)/ bêr، آچ(گرسنه)/ âç، ایده (سنجد) îde

* شناسه پایانی اغلب افعال در دوم شخص مفرد حرف (ای)در کنارحرف (ن)بصورت برجسته تری بیان می‌شود که ما برای نوشتن این دو حرف (یعنی ادغام حرف(ی/y و ن/n) به تبعیت از نوشته های گرهارد دورفر بشکل (ین/ńٔ) و این/iń نمایش داده‌ایم .مانند:هرین/heriń (شوهرت).

۶. مشخصات الفبای پیشنهادی زبان خلجی

حروف در[ترکی]خلجی نیز مانند سایر زبان ها از دو نوع صدادار (صائت) و بی‌صدا (صامت) تشکیل می‌شود. اغلب کلمات خلجی به همان صورتی که شنیده می‌شوند نوشته می شوند. در زبان خلجی که امروزه گروهی از مردمان خلج در مرکز ایران به آن سخن می‌گویند ۲۳ حرف بی‌صدا یا صامت و نه حرف‌صدادار یا صائت وجود دارد. البته می‌توان برای هریک از حروف صائت صدای کوتاه وبلند نیز در نظرگرفت مثل حرف صدادار «آ/A» که در زبان خلجی به دو صورت کوتاه مثل :آلاجاق/âlacaḳ و بلند مثل آققار/âḳḳâr (نهر) تلفظ می‌شود. به همین ترتیب برای صداهای «ای»، «او» و«اِ «می‌توان دو نوع صدای بلند و کوتاه ذکرکرد.

مصوتهای[ترکی]خلجی از نقطه نظرهای مختلف به دو گروه تقسیم می‌شوند که بنا به همین تقسیم بندی ها نظم و قانون خاصی به کلمات می‌دهند. تمام نه مصوت زبان‌خلجی از لحاظ تلفظ به یک شدت نیستند بلکه چهارحرف آن ثقیل (یوغون)و بقیه نازک (اینچه) می‌باشند.

توجه: در زبان خلجی مصوت«آ/â» در هجای اول نه تنها بصورت کشیده تلفظ می‌شود بلکه درلهجه تلخاب اغلب موارد همانند یک مصوت گردلبی نقش بازی می‌کند، به نحوی که مصوتهای بعدآن را اغلب کلمات گردلبی تشکیل می‌دهند مانند: آوچو/âvçu (شکارچی) قاررو/ḳârru (پیر).

- آ،ا/Aa مانند: آرپا/arpa (جو)،آچ/aç (گرسنه)،قارا/ḳara (سیاه)، ساپ/sap (نخ).

• اَ،-َ/Ee مانند «اَ ـَ » فارسی تلفظ مـی‌شـود ماننـد: ات/et (گوشـت)،ال/el (دسـت)، هو/hev (خانه). وگاهی نیز بصورت کشیده بیان می‌شود. بعـر/bêr (عـرض)رفتـار)،اریـن /êrin لب.

• ائ، ئ /Éé این واکه همانند«اِ» فارسی تلفظ می‌شود در بیشتر موارد بصورت کـشیده بیان می‌گردد به همین سبب با الفبای فارسی آن را در ابتدای کلمه بشکل(ائ) و در وسـط کلمه بشکل(ئ) ودرانتهای کلمه نیز بـشکل(ئ)نـشان مـی‌دهـیم.ائـل/él، کئچـه/kéçe ، یئتی/yéti ،الئ /eléy.

• اوٚ،وٚ/Oo مثل«ـُ » فارس تلفظ می‌شود مانند: اوٚتاق/otaḳ ،اوٚتـراق /otraḳ،یـوٚق/yoḳ، توٚق/toḳ،اوٚغلاق/oğlaḳ ،اوٚغول/oğul .

• اوٚ،وٚ/Öö مثـل(eu) فرانـسه بـین (e و o) تلفـظ مـی‌شـود ماننـد: اوٚردک/ördek ، اوٚلکه/ölke ، توٚرت/tört (چهار) ،کوٚز/köz (چشم) .

• او،و/Uu مثل همانند (او)فارسی تلفظ می شود مانند مانند: اوٚغـول/oğul ،اوجـا/uca، اوزاق/ uzaḳ (دراز)،بوت/but (ران).

• اوٚ،وٚ/Üü مثل (u) فرانسه بین (uو) ویا (ü) آلمانی و مجاری تلفظ می‌شود مانند: اوٚزمک/üzmek ،هوٚزمک/hüzmek ،یوٚک/yük (بار).

• ایٚ ،یٚ/Iı مثل کسره ضخیم یا«اوٚ کوتاه وخفیف» مانند: یاشـیٚل/yaşıl ،یـیلان/yılan ، هاچیٚق/haçıḳ .

توجه: صدای« ایٚ ،یٚ /Iı » چنانچه بعداز مصوت (آ/â)کشیده واقـع شـود بـشکل «او/u» تلفظ می‌شود. این امـر در لهجـه تلخـاب بوضـوح مـشهود اسـت ماننـد: بـاجو/bâcu (خواهر)،قاررو/ḳârru (پیر)،عامو/âmu (عمو).

• ایٚ،ی/İi مثل «ای» تلفظ می شود مانند: ایت/it ،تیل/til ،ایچ/iç .

• ایٚ/Îî که بصورت کشیده تلفظ می‌شود(مانند این فارسـی)،کـه مـانیز بـه تبعیـت از پرفسور دورفـر آن را بـشکل «ایـٚ/î » نـشان داده‌ایـم مثـل:بـٚ/bî (یـک)، قیٚـز/ḳîz (دختر)،ایٚده/îde (سنجد).

مصوتهای ثقیل (یوغون):

مصوتهای‌که بصورت پر و با شدت ادا می‌شوند را مصوتهای ثقیل (یوغون) می‌گویند.

A	O	U	I
آ – ا	اۆ–ۆ	او – و	ایۆ– یۆ– ی
آچ(گرسنه)	اۆت(علف)	اوزاق(دراز)	ایشوق(روشن)

مصوتهای ظریف (اینجه):

به پنج مصوت «اَ ، ائـ ، ای،ایی، اۆ ، اۆ» (e,é,i,ö,ü)که بسیار سبک و خفیف تلفظ می‌گردند. مصوتهای ظریف (اینجه) می‌گویند.

E	É	Ö	Ü	İ
اَ،ه،ه	ائـ ، ئـ ، ئ	اۆ–ۆ	اۆ–ۆ	ایۆ ، یۆ،ی
ال	ائم	اۆرنک	اۆچ	ایچ

توجه:مصوت «ایۆ/Î »که بصورت کشیده تلفظ می‌شود با هر دوگروه ایفای نقش می‌کند.

مصوتهای غنچه‌ای) و غیرغنچه‌ای

مصوتهای«اۆ ، او ، اۆ ، اۆ» «o ، u ، ö ، ü» که هنگام تلفظ آنها، لبها بصورت غنچه‌ای بسته می‌شوند،مصوتهای غنچه‌ای (ارینکه کلگیلی/ دوداقلانان) نام دارند.

O	Ö	U	Ü
اۆ–ۆ	اۆ–ۆ	او – و	اۆ–ۆ
اۆغول	اۆردک	اوممـا	کۆچ

در مقابل هنگام ادای مصوتهای «آ ،اَ،ائـ ،ایۆ، ای» « a- e - é - ı - i»، دهان باز مـــی‌شـــود. این مصوتها را به نام غیرغنچه ای (ارینکه کلمه گیلی / دوداقلانمایان) بشناسیم.

A	E	É	I	İ
آ – ا	اَ،ه،ه	ائـ ، ئـ ، ئ	ایۆ– یۆ– ی	ایۆ،یۆی
آلوملا	توه	بئشیمی	قیزماق	ایت

۷.هجا، بن و پسوند در زبان خلجی

کلمه هنگام سخن گفتن بصورت بخش بخش‌یا بریده بریده ادا می‌شود بـه هرکـدام از این بخش‌ها،یک هجا گفته می‌شود و درهر هجا یک‌حرف صدادار(صائت)وجـوددارد. مـثلا کلمه« باغ» یک کلمه تک هجایی است ودراین کلمه یک حـرف صـدادار وجـود دارد و آن حرف «A/آ»می‌باشد. به‌این‌کلمه تک هجایی وتک صدایی مـی‌گوینـد. اماکلمـه «آوجـار» دوهجایی بوده و دراین کلمه دو حرف صدادار وجود دارد.حرف صدادار«A/آ» در دو جـای این‌کلمه استفاده شده است. درکلمه هرقدر حروف صدادار باشد آن اندازه هم هجا وجـود دارد. بنابراین براساس تعداد هجاها کلمات تک هجایی ماننـد: (آت/at، ال/el،کـؤز/köz)، دو هجایی مانند: (بابا/baba، ابه/ebe، تاتا/tata) و سه هجـایی ماننـد:لالالـوق/lalaluḳ ، آرپالوق/arpaluḳ ، بابالوق/babaluḳ ناپدری و...می‌باشد.

۷،۱.بن و انواع آن در زبان خلجی

بن و ریشه«کؤک» به‌کوچکترین،خالصترین وتجزیه ناپذیرترین قسمت یک‌کلمه گفته می‌شود. به عبارت دیگر بخش تجزیه ناپذیر کلمه را« کؤک یا بن» وبخش دیگر کلمه را کـه معنای مستقلی نداشته و قابل تغییر است«پسوند یاشکلک» می‌گویند مانند:کلمه‌آچلـوق (گرسنگی) کلمه«آچ» بن(کؤک) و« لوق» پسوند و یا شکلک می‌باشد. اساسا ریـشه کلمـه در[ترکی] خلجی به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱) ریشه‌های ساده/Sada kökler :

کلماتی هستندکه به تنهایی دارای معنی می‌باشند ولیکن اگر یک حرف ازآنها بیفتـد معنای خود را از دست می‌دهند. مانند: تاق/taḳ،تاش/taş،بوش/boş، بابا/baba، ابـه/ebe، هو/hev، تیل/til .

۲) ریشه‌های ساختگی/Ḳeyirme kökler :

چنانچه بتوان ریشه را از بخش جدا کرد وتنها یکی از آنها دارای معنای مستقل باشـد به این گونه کلمات، کلمات ساختگی یا«قه‌ییرمه کؤک‌لر»گفته می‌شود.

مانند: هۆتون+لوق = هۆتون لوق/hotunluḳ ، دوست+لوق=دۆست‌لوق /dostluḳ،
قاچ+اق = قاچاق/ḳaçaḳ توغرو+سۆز = توغروسۆز /toğrusöz ، سوو+چو=سووچو/ sovçu.

۳) ریشه‌های مرکب/Bileşik kökler :

کلمات مرکبی‌که حداقل دو ریشه‌ی درآنها دارای معنای مستقلی وجود دارد. مانند: تورشو+چایی= تورشوچایی/turşuçayı،قارا+کۆز = قاراکۆز/ḳaraköz ،ال+اوزاق= ال اوزاق/eluzaḳ، ال+ هاداق=ال‌هاداق/ elhadaḳ ، ساروغ+یال= ساروغ یال /saruğ yal

۷،۲. انواع پسوندها(سون شکلک‌لر)

پسوند عبارت است ازحرف یاحروفی است که به آخرکلمات و اصطلاحات موجود در زبان اضافه می‌شود و معانی آنها راعوض می‌کند. پسوندها در زبان [ترکی]خلجی اهمیت زیادی دارند.تعداد زیادی از اسامی با الحاق پیوندهای توصیفی به آخرسایر انواع کلمات بوجود می‌آیند. شایان ذکر است، پسوند در زبان[ترکی[خلجی تنهابه آخر کلمات اضافه می‌شود ،در وسط وابتدای کلمات پسوندی قرار نمی‌گیرد. پسوند یا مفرد است یعنی فقط یک حرف دارد یا مرکب که از دو یا چند حرف تشکیل شده است. مانند:
تاق/taḳ- تاقچا/taḳça- تاقچاکی/taḳçakı-تاقچاکی‌لار/taḳçakılar- تاقچاکی‌لاردا/taḳçakılarda- تاقچاکی‌لاردا میش/taḳçakılardamış-تاقچاکی لار دامیش‌لار/taḳçakılardamışlar.

در زبان خلجی تعداد زیادی پسوندیا شکلک وجود دارد که وظیفه آنها به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱)پسوندها یا شکلک‌های کلمه ساز:

این پسوندها به انتهای‌کلمه افزوده شده وکلمه تازه‌ای با معنی جدید درست می‌کنند به این‌گونه پسوندهای کلمه ساز یا «سۆزقه‌ییرگیلی شکلک‌لر» گفته می‌شود. مانند.

چـــی/Çİ : کؤرپـــه‌چـــی/körpeçi،تمیرچـــی/körpeçi(آهنگـــر). لـــوق/Luḳ: هؤتونلـــوق (هیزمدان) ، تاتلوغ/tatluġ (خوشمزه).

۲)پسوندها یا شکلک‌های کلمه تعویض‌کن :

در[ترکی]خلجی نوع دیگری پسوند وجود دارد که وقتی به‌کلمه اضافه می‌شود فقط شکل ظاهر کلمه را عوض می‌کند معنای‌آن را تغییر نمی‌دهد. به این پسوندها «سؤزته‌ییش تیرگیلی شکلک‌لر/sözteyiştirgili şiklekler» گفته می‌شود. مانند:

باغچاچا/bağça`ça(در باغچه)، تبریزچه/Tebriz`çe درتبریز، هوکه/hevke (به خانه)، تهرانقا/Tehran`ḳa(به تهران).

۸. ضمایر/ضمیرها/Zemirler

ضمایر به آن دسته از کلمات وصفی گفته می شود که اشیاء و اشـــخاص را بـــه اشـــاره و کنایه نشان می دهند. در زبان خلجی ضمایر شامل انواع زیر هستند:

۸،۱. ضمایر شخصی(شخصی ضمیرلر)

ضمیرشخصی به کلمه‌ای گفته می شود که جایگزین اسم درجمله باشد:

فارسی	خلجی	فارسی	خلجی
من	من/men	ما	بیز/biz
تو	سن/sen	شما	سیز/siz
او	او/o/u	ایشان	اوللار/o/ullar

۸،۲. ضمایراشاره

ضمایری هستندکه برای نشان دوری یا نزدیکی بکار می روند. ضمایراشاره درزبان خلجی عبارتند از:

ضمایراشاره مفرد		ضمایراشاره جمع	
فارسی	خلجی	فارسی	خلجی

bullar/بۆللار	اینها	bu/bo/بو	این
ullar/اوللار	آنها	u/او	آن/او
ora/اۆرا	آنجا	bora/بۆرا	اینجا

۸،۳. ضمایر ملکی

خلجی	فارسی	خلجی	فارسی
bizim/بیزیم	مال ما	menim/منیم	مال من
siziń/سیزینْ	مال آنها	seniń/سنینْ	مال تو
ullarıń/اوللارینْ	مال ایشان	unuń/اونوینْ	مال او

۸،۴.ضمایر مشترک(رجعی)

در زبان ترکی خلجی ریشه‌عمومی ضمیر مشترک همانند سـایر شـاخه‌هـای ترکـی (اؤز/öz می‌باشد. که این واژه در برخی از روستاها به شکل ائز/éz استفاده می شود.مانند:

خلجی	فارسی	خلجی	فارسی
özümüz /اؤزۆموز	خودمان	özüm/ اؤزۆم	خودم
özüńiz/îz/اؤزۆنیز/اؤزیز	خودتان	özüń/اؤزۆینْ	خودت
özüleri/اؤزۆلری	خودشان	özü/اؤزۆ	خوداو

۸،۵.ضمایر پرسشی (استفهامی)

ضمایری هستندکه هویت اشخاص واشیاء را به طریق پرسش تعیین می‌کنند. رایج ترین ضمایر پرسشی معین در زبان خلجی عبارتنداز:

خلجی	فارسی
kim/کیم	کی،چه‌کسی؟
netey/نه/ne، نته‌ی	چرا؟
néreḳ/نئرق	کجا؟

کی،چه موقع؟	قاچان/ḳaçan
چطور،چگونه؟	نجوٚر/necür
کو؟	قانیٚ/ḳanı
چند؟	نچچه/neççe
به چه دلیل،به چه علت؟	نسه‌که/neseke

همچنین برای اشخاص و اشیای غیر معین از ضمایر پرسشی ذیل استفاده می‌شود: کیمی/kimi ، کیمکه/kimke ،هئچ کیم/héçkim، هرکیم/ herkim .

۹.اسم/At

اسم ازمهمترین اجزای تشکیل دهنده کلام است. و به آن دسته از کلمات وصفی اطلاق می‌شود که برای نامیدن موجودات جاندار و بی‌جان و پدیده‌ها ومفاهیم و مجردات به کار می‌رود. اسم از نظر مدلول و شمول آن به اسم خاص وعام، اسم ذات و اسم معنی و سایر تقسیم بندی‌هایی دیگر زبان‌های معمول که ما از طرح آن دراین سطور اجتناب می‌کنیم و به تقسیم بندی آن ازنظر شکل ساختمانی می پردازیم :

أ) اسم ساده: اسمی‌است که تنها ازیک ریشه بسیط به وجود آمده باشد وعلامت خاصی ندارد. مانند: های(ماه) hay، قار (برف) ḳar،اوٚت (علف) ot،هوت (آتش) hot ، یئر/yér .

ب) اسم مشتق یا (قه‌ییرمه‌آتلار): پسوند و یاشکلک‌هایی که باالحاق به آخرکلمات وصفی و فعلی اسامی پیوندی تشکیل می‌دهند، را اسم پیوندی یا« قه‌ییرمه‌آتلار» می‌گویند.تعداد این پسوندها در زبان خلجی زیاد است.امثال:

- **پسوند موجودیت،حالت و هستی(لوق/Luḳ–لوغ/Luġ–لوٚغ/Lüġ–لوٚک/Lük–لیک/Lik):**

وارلوق/varluġ،بول‌لوق/bolluḳ(فراوانی)،تیرری‌لوٚک/tirrilük (حیات)، هاوول‌لوق /havulluḳ(خوبی)، آبادلوق/abadluḳ(آبادانی)، هیدیک‌لوٚک /hidiklük (درستی).

دلـــی‌لیـــک/delilik (دیـــوانگی)، کۆکلـــۆک/köklük (چـــاقی)، شـــادلوق /şadluḳ (شـــادی)، هاچوغلوق/haçuġluḳ (تلخی،مرارت)،کۆچلۆغ/küçlüġ (پرزور)،کۆزلۆغ/közlüġ (بدنظر).

- **پسوند نسبت ودارا بودن(او/U–اۆ/Ü– ی/İ ،لوغ/Luġ–لیغ/Liġ– لیک/Lik-لوق/luḳ**

تۆرکۆ/türkü (ترکی)،انگلیسی/ingilisi (انگلیسی)، فارسو/farsu (فارســـی) آلمـــانو/almanu (آلمانی)، عربی/erebi (عربی)، تلخـــابلوغ/telḫabluġ (اهـــل تلخـــاب)بـــالوق‌لـــوغ/baluḳluġ (اهل‌ده) پوللوغ/pulluġ (پولدار)،تیـــه‌رلیـــغ/teyerliġ (ارزشـــمند)، اوغـــول‌لـــوق/oġulluḳ (پـــسرخواندگی) ، بابـــالوق/babaluḳ (پـــدری) ننـــه‌لیـــک/nenelik (نامـــادری)، فامیل‌لیک/famillik (خویشاوندی).

- **پسوند همراهی (دق/Deḳ ،داق/Daḳ–ته/Te،تا/Ta):**

او داق/u daḳ (او هم)،من دق/men deḳ (من هم)، بیزته/biz te(ماهم)، اوتا/u ta (اوهم) .

- **پسوند قید مکان وتقدم (چا/Ça–چه/Çe ،لوق/Luḳ–لیک/Lik–لۆک/Lük:**

مانند: بالوق‌چـــا/baluḳça (درروســـتا)،تهرانچـــا/Téhrança (درتهـــران) ،هوچـــه/hevçe (درخانه)، اۆنکچه/öngçe(جلوتر)،آووال‌چا/avvalça (نخست،پیش ازهرچیز). چیمن‌لیـــک/çimenlik (چمنزار)،هوتونلـــوق/hotumluḳ (هیزمـــدان)، کۆللـــۆک/küllük (آشـــغال‌دان) ، گۆرپه لیک/körpelik (بزغاله دان).

- **پسوند فاصله مکان: (که/Ke،قـــا/Ḳa ،ده/De،دا/Da):** بـــۆردا تبریزکـــه/borda tebrizke (ازاینجاتا تبریز)،تبریزده تهرانقا/tebrizde téhranḳa (ازتبریزتا تهران)،نئـــرده نئرق/nérde néreḳ (ازکجاتاکجا).

- **پـــسوند فاصـــله زمـــان(تـــا/Ta) :** تئمـــی‌کـــه‌تـــا/témiketa (تـــاکنون)،تئـــزده ده شام‌قاتا/tézdede şamḳata (ازصبح تاشب)

- **پسوند زمـــان(لـــوق/luḳ–لیـــک/lik–لـــۆک/lük):**هـــای‌لـــوق/hayluḳ (ماهیانـــه)، کۆنلۆک/künlük(روزانه)،ییل‌لیک/yillik(سالیانه).

• **پسوندهی حرفه ومشاغل (چۆ/Çü–چو/Çu–چی/Çi):** مانند: بیچین‌چی/biçinçi (برزگر)،یولچو/yolçu (مسافر)،گؤمۆشچۆ/gömüşçü (نقـره کـار)،سـینیق‌چـی/siniḳçi (شکسته بند)،تمیرچی/temirçi(آهنگر)،اوتچو/otçu (علف چین)، هونونکچۆ/hünükçü (متخصص در رفتگی).

• **پسوند وسیله و ابزار(لۆک/Lük–لیک/Lik):** کؤزلۆک/közlük (عینـک)،بئـل دسـته لیک/bél destelik (مناسب برای دسته بیل).

• **پسوند اندازه و مقدار(لیک/Lik– لوق/Luḳ):** اککئ‌لیک/ekkélik(دوتـایی)، اوئلـوق (ده تایی/onluḳ).

• **پسوند تصغیر و تحبیب(جوق/Cuḳ ،جیڤق/Cıḳ–جیڤاز/Cıḳaz):**

تصغیرکلمه‌ای است که برخردی وکوچکی دلالـت کنـد و بـا قرارگـرفتن پـسوندهای درآخرکلمه آنرا مصغر می‌سازد مانند: بـالاجوق/balacuḳ (کوچـک)، هـازجوق/hazcuḳ (یک مقدار کم) هاججوق/hâccuḳ(اندک)در اینجا حرف«ز» به«ج» تبـدیل شـده اسـت. برای تحبیب :کال جیڤاز/kalcıḳaz(طفلکی)،قالاجوق/ḳalacuḳ (قلعه کوچک).

• **پسوندهای نفی و صفت مشبهه(ماز/Maz– مز/Mez):**

صفت مشبهه آنست که از نظر معنی حالت دائم دارد ولـی نفـی از نظـر معنـی حالـت دائمی و همیشگی ندارد (ماز) برای کلماتی‌که از مصوت های خشن تشکیل شده اند و (مز) برای کلماتی که از مصوتهای ظریف تشکیل شده اند.

الف) علامت نفی: آلی/alı(بگیر)-آلماز/almaz (نمی‌گیرد)،یورال/yoral(بنشین)- یورماز /yormaz (نمی‌نشیند).حالت دائم ندارد صفت مشبهه نیست.

ب) علامت نفی:کؤرسنمز/körsenmez (دیده نمی‌شود) حالت دائم ندارد صفت مـشبهه نیست.

الف)علامت صفت مشبهه: سولماز/solmaz (پژمرده نشده‌نی)،آیناماز/aynamaz (نافهم) حالت دائم دارد.

ب) علامت صفت مشبهه: بیلمز/bilmez (نادان)،کۆرۆنمز/körünmez (نـامرئی)، قیّمـز/ ḳîmez خسیس .

• **پسوندهای دیگری امثال :**

« الک/**Elek** » : هۆتالک/hötelek (ترسو).

« لوم/**Lum** » : آتلوم/atlum (مشهور).

«لک/**Lek**» : قیزیلک/ḳizilek،اوغولک/uġulek،جاملک.

« لاق/**Laḳ** » : قـاللاق/ḳallaḳ، بـاتلاق/batlaḳ،قیـشلاق/ḳışlaḳ،چـاقلاق/ çaḳlaḳ (گرداب).

«چک/**Çek**/چاق/**Çaḳ**،جک/**Çek**» : تون چاق/tonçaḳ، ائمچک/émçek، قوچچاق / ḳuççaḳ، اویونچاق/oyunçaḳ،الجک/elcek (دستکش).

« چیلیـک/**Çilik** چولـوق/**Çuluḳ** »: دۆشـمن چیلیـک/düşmençilik (دشـمنی)، قصابچولوق /ḳessabçuluḳ (قصابی) .

« سیز/**Siz** ،سوز/**Suz** ،سۆز/**Süz** » : تیلسیز/tilsiz (بی‌زبان)،ایش‌سیز /işsiz (بیکار)، جانسوز/ cansuz (بیٚ‌جان) ،کۆزسۆز/közsüz (نابینا).

پ) اسمهای مرکب

اسم مرکب کاربرد زیادی درادبیات دارد،تنوع آنها بـسیار زیـاد اسـت. اسـم مرکـب درترکی خلجی ممکن است بدون دخالت واسطه‌ای ازترکیب اسم با اسم دیگـر بـه وجـود آید، ممکن است یک پسوند یاعلامت به کمک آنها بیاید وگاهی ممکن است دوعلامت این وظیفه را بر عهدداشته باشند. در اینجا منظوراز اسم به صورت عـام شـامل اسـم خـاص، صفت و... است.

• **ترکیب دو اسم بدون پسوند:**

درحالی‌که ترکیب دو اسم فارغ ازحضورهیچ پسوندی است، ممکن است اسم اول یا

دوم اسم خاص، صفت ویا حتی عـدد ویـا ضـمیر باشـد. بـرای نمونـه: هاغـاچ ائـشیک /haġaçéşik ، قیزیـل‌چؤشـمه /ḳizilçöşme،آلچـاق آدام /âlçaḳadam، بـو قیـز/ bu ḳîz،هاداق قابو /hataḳḳabu (کفش)، ساروغ یال/saruġyal (اسم مکان).

- **ترکیب دو اسم همراه با یک پسوند:**

بامشخصات مورد قبل است با این تفاوت که یکی از اجزای‌آن دارای پسوند است.
مانند: کئچه قوشو/kéçe ḳuşu،قون سؤتؤ/ḳon sütü ، چوشـمه سـووو/çöşme suvu ، یئزی کیتیکی/yézi kitiki .

- **ترکیب دواسم همراه با دوپسوند:**

در این نوع ترکیب هردو جزء دارای پسوند هستند و معـانی و مفـاهیم جدیـد عرضـه می‌کنند. مانند: کؤزؤمـؤین قاراسـیْ/közümüń ḳarası، مچیـدین چیراغـیْ/ meçidiń çırağı ، حامامیْن تؤنؤ/hamamıń tünü .

علامت جمع درخلجی :kop

برای جمع بستن کلمات در زبان خلجی از دوپیوند استفاده می‌گـردد، نـشانه جمـع (البته یکی از نشانه‌های جمع) درترکی، پیوندهای«لر/Ler،لار/Lar» است. اگـر آخـرین مصوت کلمه ثقیل باشد،از پیوند«لار» و اگر ظریف باشد،از پیوند«لر» استفاده می‌کنیم.
لذا در ترکی خلجی داریـم: قاشـیْق‌لار/ḳaşıḳlar، هاغـاچ‌لار haġaçlar/ لالا لار/lalalar ، قوش‌لار /ḳuşlar و بالوقلار/baluḳlar (دقت‌شود که همگی دارای مصوت ثقیل‌هستند).
همچنین ننه‌لر/neneler ، ابه لر/ebaler ،کؤکرچیکلر /kökerçikler ، کئجه‌لـر/ kéçeler کؤندؤزلر/kündüzler، هرلر/herler و قیزلر/ḳîzler (دقت شود که همگـی دارای مـصوت ظریف هستند).

بعضا پسوندهای« نان/Nan نن/Nen یا گیل/Gil» به عنوان علامـت دیگـری بـرای جمع محسوب می‌شوند. مانند: بابام نان/babannan (پدرم اینها)ننـه‌م نـن/nenemnen (مادرم اینها)، اوللارخلج گیل‌لر/ullar ĥelecgiller آنها خلج اینها هستند.

۱۰.حالات اسم

در زبان خلجی ارتباط اسم با سایر اجزای کلام بخصوص افعال بصورت حالت پذیری اسم انجام می‌پذیرد. حالات اسم به آن عده از اشکال تصریفی اسم اطلاق میشود که موقعیت و وظیفه آن را درکلام تعیین می‌کنند.

عمل حالت پذیری اسم در زبان خلجی عموما بوسیله پذیرش پسوندهای حالت انجام می‌گیرد. پسوندهای حالت با الحاق به آخر اسامی و کلماتی که می‌توانند در کلام نقش اسم را بعهده بگیرند ، ارتباط آنها را با سایر اجزای کلام و در درجه اول باافعال فراهم می سازند و بدین لحاظ در تشکیل ترکیبات و جملات نقش اساسی و فوق العاده دارند. براساس نوع کارکرد فعل در داخل جمله، این پسوندها تغییر می‌کنند. به عنوان مثال در جمله فعلیه ؛ آلدوم/aldum (گرفتم).حسب نتیجه طلب آن فعل به انتهای اسم که در جمله می‌باشد (ی) اضافه می‌شود .من کتابیٔ آلدوم/men kitabı aldum. به کارکردهای مختلف اسم در داخل جمله حالات اسم گفته می شود.به عبارت دیگر به در زبان [ترکی]خلجی برای اسم شش حالت می‌توان تصور کرد:

۱۰،۱ حالت نامی / حالت فاعلی(آتلوق حال)

حالت فاعلی‌یا نامی،حالتی است که اسم در کلام نقش عامل را ایفا می‌کند و بنابر این، از وابستگی به سایر کلمات بی‌نیاز است. اسم در حالت فاعلی،اعم از اینکه بصورت مفرد یا جمع بکار رود، بدون قبول پسوند حالت و با همان شکل اصلی خود شرکت می‌کند. اسم در حالت فاعلی در هر دو نوع جمله فعلی و اسمی بکار رفته و خبر یا مسند خود را از فعل و یا از سایر اقسام کلمات می‌توانند برگزینند. مانند: جمله فعلی«کال اوٚینور / kâl oynor » کودک بازی می‌کند اسم « کال/kâl»کودک در مقام مبتدا،فعل «اوٚینور/oynor» بازی می‌کند را برای خود خبر قرار داده است. و در جمله اسمی «مارال قشنگه‌ر / maral ḳeşenger» مارال زیبا است اسم، مارال در مقام مسندالیه کلمه «قشنگ» زیبا مسند انتخاب کرده است. علاوه بر موارد فوق، اسم در نوعی از ترکیب اضافی نیز به حالت

آزاد و در نقش تعیین کننده بکار می‌رود. مانند: قیزیل یۆزلۆک/ ḳizil yüzlük (انگشتر طلا)، تمیرائشیک /temir éşik (در آهنی).

اسم در حالت فاعلی به پرسش‌هایی مانند: «کیم/kim ؟ ویا نسه/nêse ؟ جواب می‌دهد.

۱۰،۲حالت اضافه یا تعلق(اؤیدۆلوک حال)

حالت اضافه یا تعلق حالتی است که وابستگی اسم را از نظر تعلق به اسم دیگر نشان می‌دهد. در زبان خلجی مضاف الیه مقدم بر مضاف است، باغین هاغاچیٚ /baḳıń haġaçı (درخت باغ). اسم در حالت اضافه بدو شکل قبول و عدم قبول پیوند بکار می‌رود و از این نظر حالت اضافه دارای دو حالت معین و نامعین است.

حالت معین که با قبول پیوندهای اضافه بکار می‌رود، از تعلق شیئی بر شیئی معین حکایت می‌کند. مانند بالوقین قالاسیٚ/ baluḳıń ḳalası (قلعه آبادی)،قیزین تئلی/ ḳîziń téli (گیسوی‌دختر). علامت حالت اضافه معین پسوند «اوین/**Uń** » ومعادل آن یعنی پسوندهای: «üń,uń,iń,ıń » حسب قانون هماهنگی اصوات و درکلماتی که بصائت ختم می‌شوند صرفا حرف«ینٚ/**ń** که معادل دو حرف**yn** » است به انتهای کلمه افزوده می‌شود. مانند: اشکه‌ین هیرککی/ eşke**ń** kirkeki الاغ نر. درحالت اضافه معین به پرسش‌هایی مانند کیمین/ kimiń (مال کی)و نسه‌ین/ nêseń ؟ (چه چیز را) جواب می‌دهند.

حالت اضافه غیر معین که بدون قبول پسوند اضافه بکار میرود ، از تعلق شیئی بر شیئی نامعین حکایت می‌کند. لامپا شوشه‌سی/ lampa şüşesi شیشه لامپا، قوزو اتی/ ḳuzu eti (گوشت بره).ما از این حالت درزبان خلجی به « اؤیدولۆک حال » نام می‌بریم.

۱۰،۳ حالت مفعول غیر مستقیم/یانلوق حال (مفعولی با واسطه یا مفعول به)

حالتی است که اسم را درحالت کشش و گرایش به فعل نشان میدهد. مانند:

قوش هاغاچ قا قوندو/ ḳuş haġaç**ḳa** ḳondu (پرنده روی درخت نشست)،کال یئرکه ییقیلدی /kal yer**ke** yiḳildi (کودک بزمین خورد). اسم در حالت گرایش نقش مفعول غیر مستقیم را بعهده دارد. و به سوالات کیمکه؟/kimke به کی؟، نسه‌که؟ / neseke

به‌چی؟،نئره‌ق؟/néreḳ بکجا؟ جواب میدهد و همواره با پسوند بکار میـرود. پـسوندهای حالت مفعول غیرمستقیم یا یانلوق «قا/ ḳa وکه/ke» می‌باشد.

به این حالت در خلجی می‌توان« یانلوق حال » نیز گفت. چنانچه آخـرین حـرف صـدا دار اسم از نوع ضخیم باشد پسوند حالت یانلوق «قا/**ḳa** » و اگر آخرین حرف صدادار نازک باشد پسوند«که/**ke** » خواهد بود. چنانچه اسـم‌هـا جمـع باشـند بعـد از علامـت جمـع پسوندهای قا /ḳa ، که/**ke** می‌گیرند.

۱۰،۴ حالت مفعول مستقیم یا حالت تأثیرگذاری(اثرلیغ حال)

حالتی است که اسم را در موقعیت پذیرش حرکت و کنشی که از طرف شـخص یـا چیزی اعمال می‌گردد نشان می‌دهد. افعالی که در این حالـت بـا اسـم ایجـاد ارتبـاط می‌کنند، الزاما از نوع افعال متعدی هستند.بنابر این، اسم در حالت تاثیر نقـش مفعـول صریح را بعهده دارند، مانند:هوٚت هوٚتونو کؤندردی/hot hotun**u** könderdi (آتش هیزم را سوزاند)، بوغداینْ قاووردو/buġdaṅ ḳâvurdu (کندم را برشته کرد).

اسم در حالت تاثیر به سوالات کیمی؟/ kimi (که را)/،نسه‌ین؟/ neseṅ (چه‌را؟) نئره‌ین/ néreṅ (کجا را) جواب می‌دهد. اسم در حالت مفعول مستقیم،غالبا با قبـول پـسوند و بعضا نیز بدون آن بکار می‌رود. از این لحاظ حالت تاثیر نیـز دارای دو حالـت معـین و نامعین است.

حالت تاثیر معین که اسم باحرف بی‌صدا خاتمه یابـد، یکـی از پـسوندهای چهـار گانـه «ایْ/**ı**،ای/**i**،او/**u**،اوٚ/**ü**» سازگار باحرف آخرش بکـار مـی رود. ماننـد:اوٚتـاغ+یْ= اوٚتـاغیْ، وطن+ی= وطنی،توز+و=توزو،کؤز+وٚ= کؤزوٚ.

و دراسم هایی که به صائت ختم شده باشد، صرفا حرف«ینْ/**ṅ** که معـادل دو حـرف**yn** » است به انتهای کلمه افزوده می‌شود.مانند:اشکه ین وایيْر/*eşkeṅ vayîr* الاغ را ببند.

اسم درحالت تاثیر معین غالبا قبل از خود یکی ازضمایر« او/**u** ، بو/ **bu** و غیره» را همراه می‌گیرد. بو فیکری بوشیندا هیپی/bu fikir**i** boşuṅ`da hipi (ایـن اندیـشه را از سر بدرکن)،او چیراغیْ هئچری/u çıraġı kiçeri (آن چراغ را خاموش‌کن).

حالت تاثیر نامعین که اسم در آن بدون قبول پیوند شرکت می‌کند، حالتی است که شیئ یا شخص تحت تاثیر فعل نامعین باشد. مانند:تاش هاتیٚ/taş hatı (سنگ بینداز)، درس هوقیٚ/ders hoḳî (درس بخوان). دراین دو مثال/تاش و درس غیر معین هستند. ما ازحالت تاثیرگذاری در خلجی به عنوان «اثرلیغ حال » نام می بریم.

۱۰،۵حالت مکانی/ حالت مفعول فیه (یئرلیغ حال)

حالتی است که اسم در آن بر شئیی دلالت دارد که شئی دیگر در داخل آن قرار داشته باشد مانند: بازارچا ساتوللار/bazar**ça** satullar (در بازار میفروشند)، الیچه کؤردوم/eli**çe** kördüm (در دستش دیدم).

اسم درحالت تخصیص همواره پسوند می پذیرد و به سوالات کیمدیچه ؟/ kimdiçe درکی؟،نسه‌چه؟/nêseçe درچی؟،نئده /نئده؟ /nérde/néde درکجا؟ جواب می‌دهد.

علامت حالت مکانی پسوندهای دوشکلی چه/**çe** و چا/**ça** است. ما ازحالت مکانی در خلجی به عنوان « یئرلیغ حال » نام می‌بریم.

الف) چنانچه آخرین حرف صدا دار اسم از نوع ضخیم باشد.ادات شکل دهنده «چا/**ça** » به آخراسم افزوده می‌شود. مانند،باباچا،لالاچا،یورتچا.

ب)چنانچه آخرین حرف صدادار اسم از نوع ملایم /نازوک باشد ادات شکل دهنده «چه/**çe** » به آن افزوده می‌شود. مانند: هوچه،یئرچه،کؤکچه.

۱۰،۶ حالت انفکاک یا حالت مفعول عنه (هادورلوق حال)

حالتی است که در آن اسم بر خلاف حالت گرایش از فعل منفک میشود. اسم در حالت انفکاک همواره پسوند می‌پذیرد و علامت آن پسوند دوشکلی ده/**de** ،دا/**da** است. دامدا توشتو/dam**da** tüştü (ازپشت بام افتاد)،یئرده هؤندؤ/ yérde hündü (از زمین رست یا بیرون آمد)،یولدا هادروندو/yolda hadrundu (از راه جدا شد).

حالت انفکاک به سوالات کیمده؟/ kimde از کی؟،نسه‌ده؟/ nêsede ازچی؟ ، نئرده؟ /nérde ازکجا؟ جواب میدهد.این حالت را در خلجی می‌توان « هادورلوق حال» نام گذاری نمود.

الف: اگر حرف صدادار آخر اسم از حروف صدادار ضخیم باشد،ادات شکل دهنده« دا/ da » به آخر اسم اضافه می شود.

ب: اگر حرف صدادار آخر اسم از حروف صدادار ملایم باشد، ادات شکل دهنده «ده/ de» به آخر اسم اضافه می‌شود.

۱۱.صفت/Sifet

صفت به آن دسته ازکلمات وصفی اطلاق می‌شودکه اوصاف و چگونگی اسم را بیان می‌دارند. صفت در[ترکی]خلجی،قبل از موصوف قرارمی گیرد. مانند:یاشیل یارپاق (برگ‌سبز)، هاچیق ائشیک (در باز)، قیزیل‌گول(گل سرخ)، کؤک قوزو(بره چاق)

- **ساختار صفت :** صفت در[ترکی]خلجی مانند اسم دارای سه ساختار متفاوت است: صفت ساده، صفت پسوندی وصفت مرکب.

۱۱،۱.صفت ساده/ Sada Sifet : صفت ساده آن است که تنها ازیک ریشه تشکیل شده است مثل: قارا/ḳara، هاوول/havul ، قورس/ḳurs وهۆرۆن/hürün . این نوع صفات کلماتی‌هستند که ذاتا صفت هستند.مانند: قاراساچ/ ḳara saç(زولف سیاه)، هۆرۆن هات/ hürün hat(اسب سفید)، هاوول‌آدام/havul adam (آدم خوب)، قشنگ قیز/ ḳeşeng ḳîz(دخترزیبا).

۱۱،۲.صفات پسوندی Şikleklik Sifetler

صفتی است که تنها از الحاق یک رشته پسوند توصیفی به آخر کلمات بوجود می‌آید.

مانند: سۆتلوغ/sütlüg (پرشیر)،(کؤک کؤز)kök köz (چشم آبی)،یاشیل تون yaşıl ton/(پیراهن سبز).

دریک تقسیم بندی ساده می‌توان صفات پسوندی را به دوگروه ،صفات اسمی وصفات فعلی تقسیم نمود.

۱۱،۲،۱.صفات پسوندی اسمی:

از اسم و پسوندهای معین ساخته می شوند برخی از پسوندها که ازاسم صفت می‌سازند

عبارتنداز: لوغ /luġ،لیغ /liġ،لۆک /lük، سیز /siz، سوز /suz، کک /kek، جی /ci، چو /çu، غون /ġun،آق /aḳ،آغان /aḳan. مانند: هۆزۆملوغ باغ /hüzümluġ baġ (باغ پرانگور)،توزسوز

آش /tuzsuz aş(آش‌بی‌نمک)، هو سیزآدام /hevsiz adam انسان بیخانمان.

۲،۲،۱۱.صفات فعلی /فعلی صفت /Féli sifet

این صفات از ریشه فعل با الحاق پسوندهای مشخص ساخته می‌شوند وخصوصیات موصوف را که فاعل ومفعول است بیان می‌کنند و به دوگروه صفات فاعلی و صفات مفعولی تقسیم می‌گردند که در زبان ترکی از این صفت به فعلی صفات ویا صفات فعلی یاد می‌شود. برخی از علائم صفات فعلی (اعم از صفت فاعلی وصفت مفعولی)در زبان خلجی عبارتند از: گۆلۆ /gülü ، گیلی /gili ،غولو /ġulu ،غیلی /ġılı - ماز /maz ، مز /mez- اگن /egen ، آغان /aġan-آن /an-غان /ġan- آر /ar ،ار /er-آق /aḳ ،اک /ek-میش /miş ، میش /mış ، موش /muş ، مۆش /müş – دوق /duḳ ،دیک /dik – مالی /malı ،ملی /meli – گۆلۆک /gülük ، غولوق /ġuluḳ .

أ) صفت فاعلی (ائتگیلی)/Étgili

وجه وصفی ویا صفت فاعلی وجهی است که حرکات وکنش هارا درقالب وصف نمودار ساخته و در نقش صفت خود نمایی می‌کنند، ازاین لحاظ به آنها صفات فعلی نیز گفته می‌شود. فرق صفات فاعلی با صفات معمولی درآن است که صفات معمولی موجودات را از نظر کیفیت وعلامات ثابت مندرج درآنها مانند: (اوجاتاغ /uca taġ،یاشیل چیمن / yaşıl çimen،قشنگ قیز /ḳeşeng ḳîz) ولی صفات فاعلی آنها را از نظرحرکت وکنشهای مندرج در آنها مانند: (واقان‌کۆز /vaḳan köz، هیچمیش هوت /hiçmiş hot، یاتقولو کال /yatḳulu kal تعیین می‌کنند. بنابر این درصفات فاعلی اشیاء به اقتضای حرکت و عملی‌که انجام می‌دهند مشخص می‌گردند. با عنایت به موارد فوق می‌توان گفت،صفت فاعلی‌صفتی است‌که کننده کار را نشان می‌دهد، از ریشه فعل با الحاق پسوندهای‌مشخص

ساخته می شود.و برخی‌ازعلائم صفت فاعلی درترکی خلجی به شرح ذیل می باشند:

۱. گۆلۆ/Gülü،غولو/Gulu،غیلی/Gılı،گیلی/Gili :

کۆرگۆلۆ/körgülü (بیننده)، ساتغولو/satġulu (فروشنده)، وئرگیلی/vérgili (دهنده)، بیل گیلی/bilgili (فهیم،دانا)،شاغیلی/şağılı (کننده)،آلغولو/alġulu (گیرنده).

۲. مز/Mez،ماز/Maz : کۆنمز/könmez (نسوز)،توغماز/toġmaz (نازا،عقیم).

۳. گن/Gen،قان/Ḳan : کزه گن/kezegen (سیاح)،توتاقان/tutaḳan (گیرنده)، توغوشقان/toġuşḳan (جنگنده)یاپوشقان/yapuşḳan (چسبنده).

۴.آن/An : ساتان/satan(فروشنده)یازان/yazan (نویسنده).

۵. غون/Ġun :یۆرغون/yorġun (خسته)،هارغون/harġun(خسته).

۶.آر/Ar،ار/Er : واقار/vaḳar (بیننده)،کچر/keçer(تاثیردار).

۷. آق/Aḳ،آک/Ak،اک/Ek : قورقاق/ḳorḳaḳ (ترسو)،هۆرکک/ hürkek (رمنده)، قازاناک /ḳazanak (دیک کوچک)،کۆشکک/ köşkek (اتاق کوچک).

ب) صفت مفعولی (ائتیل‌گیلی) /Étilgili

صفت مفعولی آن است که برشخص ویاچیزی که فعل برآن واقع شده دلالت می نماید. علامت‌های آن در ترکی خلجی‌عبارتنداز:

۱. میش/Mış وتوابع آن: اریمیش/erimiş (ذوب‌شده)، هارمیش /harmış (خسته شده)، چۆررۆموش/çürrümüş (پوسیده)،یورولموش/yorulmuş (خسته شده).

۲. ایلقیلی/Ilḳılı،اولقولو/Ulḳulu،ایلگیلی/İlgili : یازیل غیلی/yazılġılı (نوشته شده) قیریلگیلی/ḳirilgili(بریده شده)،یورولقولو/ yorulḳulu (خسته).

۳. مالوغ/Maluġ،مه‌لیغ/Meliġ :یئمه لیغ/yémeliġ (خوردنی)، واقمالوغ /Vaḳmaluġ (دیدنی).

۴.آجاق/Acaḳ، اجک/Ecek :آلاجاق/alacaḳ (طلبکار)،وئره جک /verecek (بدهکار).

۵. پیوند سه شکلی«گۆلۆک/Gülük ،قولوق/ḳuluḳ ،گیلیک/Gilik »

وارغولوق/varġuluḳ(رفتنی)،یئگولۆک/yégülük (خوردنی)،بنگیلیک/bengilik (شادانه).

۱۱،۳.صفت مرکب/Bileşik sifet

صفت مرکب نیز مانند اسم مرکب می‌تواند با ترکیبی از صفت ، اسم ، عدد و ... ساخته شود حالات مختلف این نوع صفت را در مثالهای زیر تبین می‌کنیم:
قیرمیزی تون/ḳirmizi ton (پیراهن قرمز)، قارا چادور/ḳar çadur (چادرمشکی)، توپ‌سقل هر/top seḳḳel her (مرد ریشو)،آلچاق آدام/alçaḳ adam (آدم کوتاه)، شاخلوغ اچچئ /şaĥluġ eççé (بز شاخدار).

- **درجات صفات در خلجی:**

درجات صفات در ترکی خلجی امری استثنائی ومنحصر بفرد است. در این زبان بجای سه درجه صفت عادی،برتر وبرترین پنج درجه صفت داریم ثانیا به جای یک نوع ساختار برای هرکدام چندین پیوند برای نشان دادن درجه وجوددارد.حتی این قاعده درکلمات نیز دیده می شود به عنوان مثال درجه استشمام بو را در کلمات به شرح ذیل بیان می‌دارد: ییدیمک/yidimek،ساسیماق/sasımaḳ، له‌لی مک/lelimek، پوغسوماق /puġsumaḳ.

۱۲.قید/Ḳeyd

- **تعریف قید**

همانطور که می‌دانیم ،صفت در زبان ترکی قبل از اسم آمده و آنرا توصیف می‌کند. قید نیز قبل از فعل می‌آید و فعل را توصیف می‌کند. توصیف فعل بوسیله قید ممکن است مربوط به زمان،کیفیت، نحوه، چگونگی وقوع آن باشد. اگر درکلمه« نازلوغ کال» ،صفت «نازلوغ» توصیفی از اسم «کال» می‌کند ، در «یئیین تزور» (تند می‌دود) نیز «یئین» نقش قید را به خود گرفته و چگونگی انجام فعل را می‌رساند. همانطور که قید «یاواش» خلاف این حالت را می‌تواند برای این فعل نشان دهد، بصورت:«یاواش تزور» (آرام می‌دود).

قیدگاهی اول جمله وگاه بعد از فاعل می‌آید مانند: بوکئچه لالام بیزکه کلسه(امشب برادرم به خانه ما می‌آید). در اینجا قید کئچه(شب) قبل از فاعل قرار دارد. لالام انگیر بیزکه کلمیشدی (برادرم دیروز به منزل ما آمده بود) دراینجا قید بعداز فاعل آمده است.

• انواع قید از نظر معنا

۱). قید سبب: (پاسخ به سئوالات چرا ، به چه دلیل و ...) :آچلوق‌دا یـوزو هوٚرگنمیـشتی /âçluḳda yüzü hürgenmişti . ازگرسنگی رنگش پریده بود.

۲) قید کیفیت: (بیان نحوه وقوع فعل):آرام دانوشماق/aram danuşmaḳ ، یئین تزمک/ yéyin tezmek، حیرصلیغ واقماق/hirsliġ vaḳmaḳ .

۳). قید مکان: هیراققا واردو/hıraḳḳa vardu ،یوٚوققا کلدی /yovuḳḳa keldi، اوجاقا هوندو/ucaḳa hündü ،هاغا واردو/haġa vardu، ایلگر کلدی/ilger keldi ، بـوٚرا/bora (اینجا)، اوٚرا/ora (آنجا)، هریئرده /her yérde (در هرجا)،بورا علین هـوی ری / bora Eliṅ heviri (اینجاخانه علی‌است).

۴). قید زمان: بئین‌کلدیم/béyin keldim،قاچان‌کلدین/ḳaçan keldîn، تئمی‌کلدیم /témi keldim، بایاق کؤردوٚم/bayaḳ kördüm . هرکوٚن (هرروز) بو شام (امشب)، بئـین (امروز). علی‌کونده مدرسه که وارور. (علی هرروز به مدرسه می رود).

۵). قید مقدار: هاز وئری/haz véri(کم بده)، هاجوق هاجوق‌ایچـی/**içi** hacuḳ hacuḳ، (کم کم بنوش) هاووٚجچا سووایشتیم/havucça suv iştim(درکف دسـت آب خـوردم)، توٚلا/tola (پر)، هاز/**h**az (کـم)، خیلـی/Îéyli (زیـاد). کاسـا تـولا بوغـداری/ kasa tola buġdarı (کاسه پر از گندم است).

• افعال قیدی/Ḳéydlik féli

با اضافه شدن پسوند به انتهای‌آن به شکل قیود زمانی، کیفیت ، علت و ...درآمده و در کوتاهی جملات ترکی نقش بسیار حائز اهمیتی پیدا می‌کند. این قیود در دو گروه قیود

زمانی و قیود کیفیتی حالتی تقسیم می‌شوند.

أ). قیود زمانی: چند پسوند در زبان ترکی خلجی این وظیفه را برعهده می‌گیرند که در اینجا به اهم آن اشاره می‌شود:

۱ .«دوقی/Duḳ`i و دیکی/Dik`i» :که به انتهای فعل چسبیده و کلماتی‌مانند: هاچتوقی /haç`tuḳ`i (هنگام بازکردن)، واقتوقی /vaḳtuḳ`i (هنگام نگریستن)، کلدیکی /kel`dik`i(هنگام‌آمدن)،یئدیکی/yédik`i (هنگام خوردن) درست می‌کنند.

۲.« تیر/Tır ،تیر/Tir»: که می‌تواند افعال قیدی مانند: هاچاتیر/haçatır (ضمن باز کردن) ، واقاتیر/vaḳatır ضمن نگاه‌کردن) کلی‌تیر/kelirir (ضمن آمدنی).

۳ . دوقدا/Duḳda ،دیکدا/Dikde» : مانند گؤردوٚدکده/kördükde (به محض‌دیدن)، واردوقدا/varduḳda (به محض رفتن)، یئدیکده/yé`dikde (هنگام خوردن)، کؤلدوکده/ kül`dükde (خندیدنی)، واقدوقدا /vaḳ`duḳda (نگاکردنی) افعال قیدی درست کنند.

۴. «لاندا/Landa ،لایو/Layu» :امروزاین پسوند کمترمورد استفاده قرار می‌گیرد. مانند: بایاق‌لاندا/bayaḳ`landa (چند لحظه پیش)،اوٚچاغلاندا/oçaġlanda (سپس، آنگاه)، ایشوقلایو/ışuḳlayu (تاریک نشده،روشنایی).

۵. «مازاقان/Mazaḳan ،مزه‌کن/Mezeken » :بالوققا وارمازاقان هولوندو(هنوزبه ده نرفته برگشت)،هوکه کلمه زکن یاتیٚ(به منزل نیامده خوابید)، من‌آلمازاقان سن‌آلدین (من هنوز نگرفته توگرفتی)،من کلمه زه کن سن واردین(من نیامده تورفتی).

۶. « گه‌لی/Geli،غالیٚ/Ġalı)»: من‌آلغالیٚ/men alġalı (از زمانی که گرفتم) ، سن وارغالیٚ/sen varġalı (از زمانی‌که تو رفتی)،او کلگه‌لی/u kelgeli (از زمانی‌که او آمده)، بالوققا کلگه‌لی توق یاتیٚ بیلمه تیکم/baluḳḳa kelgeli toḳ yatıbilmetikem (ازلحظه‌ای که به روستا آمده‌ام نتوانستم سیر بخوابم)، بالوقدا وارقالیٚ میزان تینجلمه تیکم. (از هنگامی‌که از روستا رفته ام درست استراحت نه نموده ام).

۷. «دو/Du،دی/Di» : از تکرار ضمیر در دو فعل متوالی جلوگیری کرده و با نشستن به جای ضمیر فعل نخست جمله را شیوا می نماید مانند: آلدو واردو/aldu vardu (گرفت و رفت) که به همین ترتیب توردو واقدو/turdu vaḳdu ،تزدی کلدی/tezdi keldi .

۸. «تکرار یک فعل» : تزه تزه/teze teze (دوان دوان) ،هغلئ هغلئ/heġlé heġlé (گریان گریان)، اوینئ اوینئ /oyné oyné (بازیکنان بازیکنان).

۹. «آر/Ar، ماز/Maz / ار/Er، مز/Mez» : یک فعل دو بار تکرار می شود. به انتهای اولی پسوند زمان دائم «آر/ار» می‌آید و در انتهای دومی پسوند انکار دائمی«ماز/مز». مثلا از فعل «کلمک/kelmek» (آمدن) : کلیر -کلمز/kelir kelmez (آمد نیآمد)،وارور- وارماز/varur varmaz. (رفته نرفته).

۱۰. «دوقو/Duḳu ،دیکی/Diki » این پسوندها به تبعیت از قانون هماهنگی حروف صدادار به بن فعل چسبیده و افعال قیدی می‌سازند.مانند: واردوقو یئر/varduḳu yér (مکانی که رفته)، کؤردوکو قیز/kördükü ḳîz (دختری که دیده)،ایچتیکی آند/içtiki ând (سوگندی که خورده).

۱۳. ادات/Edat

ادات (یاراقلار) نقش ارتباطی بین دیگر اجزای جمله را دارند. ادات حتی اگر از جمله حذف شوند، لطمه‌ای به کلیت جمله وارد نمی‌شود و مفهوم کلی جمله کماکان استنباط می‌شود. ادات نه مانند پیوندها بی‌معنی هستند و نه مانند واژه های مستقل دارای معنا و مفهوم مستقل هستند. هرچند می‌توان معنا و وظیفه ادات را خارج از جمله استنباط کرد ولی‌آنها در کنار دیگر اجزای جمله نقش خود را می‌توانند ایفا کنند. تقسیمات ادات بسیار گسترده و متنوع است و در اینجا به تعدادی از اهم ادات اشاره می‌کنیم:

- **ادات استفهام :** مگر/meger) ، مگر من/meger men ، قانی/ḳanı ، قاچان/ḳaçan، نه/ne ، نسه‌که/neseke ، نسه‌ین/neseń، نئرق/néreḳ ، نه‌جؤر/necür ، نته‌ی/netey ، قانوسو/ḳanusu، قایان/ḳayan ، نئده/néde ،نبه‌ر/neber نمونه: نئده قالموشاین،قانوسو چایین سووو قورروموش.

● **ادات مکان و زمان:** کیمی/kimi ، داق/daḳ، قا/ḳa/، قاتا/ḳata ، قدەر/ḳeder نمونـه: قوم قاتا واروبیلیم ، بالوققا داق وارسام کرک.

۱۴. عدد /San

عدد در زبان [ترکی]خلجی سان/**san** نامیده می‌شود. شـمارش(سـاناماق) اعـداد در زبان خلجی تابع قاعده معینی است و در شمارش ابتـدا اعـداد بزرگتـر و سـپس اعـداد کوچکتر خوانده و نوشته می‌شوند. برخلاف زبانهای دیگر همچون فارسی و عربـی هـیچ استثنایی درآن وجود ندارد و اعداد جا و شکل خود را عوض نمی‌کنند.

● **ساختار اعداد صحیح**

عدد صحیح (اعداد غیر ازکسری و اعشاری و ...) در زبان ترکی مانند بسیاری از زبانها درسه ساختار دیده می‌شود:

الف– اعداد ساده (سادا سان‌لار/ Sada sanlar): عدد با ساختار ساده ، عـددی است که از یک کلمه تشکیل می شود و در [ترکی]خلجی عبارتند از:

● بیٚ ـ اککئ ـ اوچ ـ تؤرت ـ بئش ـ آلتا ـ یئتی ـ سککیز ـ توققوز (به ترتیب یک تـا نه)

● اونلوقلار:اون ـ ییگیرمئ ـ هوتتوز ـ قیرق ـ اللی ـ آتموش(آلتمیش).....بـه ترتیـب ده تانود)

● یوز ـ مین ـ تومن ـ میلیون ـ میلیارد (به ترتیب صـد ، هـزار ، ده هـزار ، میلیـون ، میلیارد) البته دو عدد میلیون و میلیارد ترکی نیستند ولی اکنون در ترکی مورد اسـتفاده قرار می‌گیرند. درجدول زیر اعداد ساده با الفبای لاتین نوشته شده اند:

یکها:		دهها:		صدها وبیشتر:	
۱-بیٚ	bî	۱۰- اوٚن	on	۱۰۰-یوٚز	yüz
۲-اککئ	ekké	۲۰-ییگیرمئ	yigirmé	۱۰۰۰-مین	min
۳-اوٚچ	üç	۳۰-هوتتوز	hottuz	۱۰۰۰۰- اوٚن مین	on min

milyun	۱۰۰۰۰۰۰-میلیون	ḳirḳ	۴۰-قیرق	tört	۴-تؤرت
milyard	۱۰۰۰۰۰۰۰-میلیارد	ellî	۵۰-اللیٚ	béş	۵-بئش
--	---	atmış	۶۰-آتمیٚش	alta	۶-آلتا
-----	----	yétmiş	۷۰-یئتمیش	yéti	۷-یئتی
--	-------	seksen	۸۰-سه‌کسن	sekkiz	۸-سککیز
----	-----	toḳsan	۹۰-توقسان	toḳḳuz	۹-توققوز

ب- اعداد مرکب (مورکب سانلار/Mürekkeb sanlar) :

اعداد مرکب ازترکیب دو یا چند عدد ساده تشکیل می شوند. درشمارش اعداد مرکب ابتدا اعداد بزرگتر و سپس اعداد کوچکتر می‌آیند. مثلا برای ساختن عدد چهارده درترکی ابتدا ده سپس چهار (اون تؤرت). می آید، البته در فارسی هم چنین است و فقط اعداد بین ده و بیست اینگونه قاعده مند نیستند و مقلوب شده اند. به همین ترتیب داریم: یئتی یوز آتمیش بئش (هفتصد و شصت و پنج) ، بئش مین یئتیی یوز اللی تؤرت (پنج هزار و هفتصد و پنجاه و چهار) و مین اوچ یوز یئتمیش (هزار و سیصد و هفتاد). بطور کلی این اعداد بصورت زیر تشکیل می شوند:

- اعداد دو رقمی غیر ساده (۱۱ تا ۹۹): (رقم دهگان + رقم یکان) مثلا برای عدد دو رقمی غیرساده شصت و هفت داریم: (آتمیش(آلتمیش) یئتی=آتمیش + یئتی)
- اعداد سه رقمی غیر ساده (۱۰۱ تا ۹۹۹):به ترتیب (رقم صدگان + رقم دهگان + رقم یکان) مانند: آلتا یوز قیرق اوچ (ششصد و چهل و سه)
- اعداد چهار رقمی غیر ساده (۱۰۰۱ تا ۹۹۹۹): به ترتیب (رقم هزارگان + رقم صدگان + رقم دهگان + رقم یکان) مانند: مین اوچ یوز اللی یئتی (هزار و سیصد و پنجاه و هفت).

بقیه اعداد ازترکیب دویاچند عدد تشکیل می‌شوند.اینهارا عدد مرکب می‌گویند.

عدد مرکب بدون دخالت هیچ پیوندی به صورت هزارگان،صدگان ودهگان ویکان تشکیل می‌شود. مثلا برای عدد ۱۳۸۹ می گویم مین اوچ یوز سه‌کسن توققوز و یا به عدد۷۶۵ می گویم یئتی یوز آلتموش.

در زبان خلجی عدد قبل ازاسم آمده وتعداد وکمیت آن را می‌رساند.

مانند: اککئ هر/ekké her (دو مرد)اوچ هاغاچ/üç haġaç (سه درخت). اما گاهی عدد به آن سوی اسم رفته مانند اسم حالات شش گانه را به خود می‌گیرد.مانند: کاللارین بیّسی کلدی (یکی از بچه ها آمد)، هاغاچلارین اککئسی اوجارو(دو تا از درختان بلند هستند).

ج) اعداد ترتیبی(سیری سان‌لار/Siri sanlar)

درخلجی نیز مانند همه زبان ها از اعداد ترتیبی استفاده می‌شود. اعداد ترتیبی به اعدادی گفته می‌شود که به شکل نظم و ترتیب و پشت سرهم بیان شود و علامت آن «یمجی/ImcI یا مینجی/mIncI است.

اگر به انتهای عدد خلجی پیوند چهارگانه «یمجی »(اومجو/umcu ، اؤمجؤ/ümcü ، یمجی/imci ، امجی/amcı) را با توجه به حروف صدادار هجای آخر مطابق قانون هماهنگی اصوات اضافه کنیم ، به عدد ترتیبی تبدیل می شود.

شایان ذکر است چنانچه عدد به حرف صائت ختم شود(به استثنای عدد یک که بین دوحرف صدادار حرف«ی/y» واقع می‌شود) برای ایجاد عددترتیبی صرفا پسوند «مجی /mcI» افزوده می‌شود مانند: اککئ+مجی، آلتا+مجیْ.

latin	خلجی	فارسی	latin	خلجی	فارسی
altamcı	آلتامجیْ	ششمین	bîyimci	بیّیمجی	اولین
toḳḳuzumcu	توققوزومجو	نهمین	ekkémci	اککئمجی	دومین
onumcu	اؤنومجو	دهمین	üçümcü	اؤچؤمجؤ	سومین
yigirmémci	ییگیرمئمجی	بیستمین	törtümcü	تؤرتؤمجؤ	چهارمین
yüzümcü	یؤزؤمجؤ	صدمین	béşimci	بئشیمجی	پنجمین

شایان ذکراست اعداد ترتیبی در برخی از روستاها بصورت مینجی،بیٚ مینجی، اککی مینجی ، اوٚچ مینجی آلتامینجی ویا یمقی مانند: بیٚیمقی ،اککیمقی ....آمده است.

– نحوه نگارش اعداد ترتیبی(سیری سان لارین یازولوشو):

اغلب در نوشتن،متن خلجی اعداد ترتیبی با استفاده ازیک خط رابط بین کلماتی که نصف آن در سطر بعد واقع شده مختصر(-)به شماره متصل است نگاشته می شود در محل + پسوند ایمجی/(I)mci (یعنی به طور مستقیم بعد از شماره، از راست به چپ).به عنوان مثال، برای نوشتن بئش-یمجی واگون / béşimci vagun پنجمین واگون و یا واگون # ۵، به صورت کامل: بئشیمجی واگون خواهدبود ، در حالی‌که به صورت کوتاه مدت (۵- جی/5-ci) نوشته خواهد شد (خواندن از راست به چپ) است، اما خواندن با صدای بلند همان است که به صورت فرم کامل: بئشیمجی واگون/béşimci vagun پنجمین واگن .

فرم به صورت مختصر: ۵- جی واگون/5 -ci vagun

تاریخ ها به طور معمول بدین شکل نوشته می شود: فرم کوتاه: ۱۳۷۰ – جی ییل یا/-1370 ci yil (سال)۱۳۷۰)، به صورت طولانی تر بیان هر یک از اعداد: مین اوٚچ یوز یئتمیش یمجی ییل. به همین ترتیب روزها از ماه نوشته می شود: فرم کوتاه: به عنوان مثال: ایسفندین ۴- وٚ

فرم طولانی بیان اعداد : ایسفندین تؤرتوٚ. اگر ماه را با هم به یک تاریخ اضافه کنیم چنین نوشته می شود: ۱۳۷۰- جی ییل، ایسفندین ۴-وٚ/ 4-ü İsfendiń,ci yil– 1370 .

– خواندن شماره تلفن

خلج ها تمایل به خواندن شماره تلفن در گروه های ده گانه و صدگانه دارند. به عنوان مثال خواندن شماره ۸۱۲۳۷۱۰ به عنوان:

سه‌کسن بیٚ،ییگیرمئ اوچ،یئتئ یوز اون/seksen bî,yigirmé üç,yéti yüz on در معنای واقعی کلمه: هشتاد و یک، بیست و سه هفتصد (و) ده.

– **اعداد شرحی:** به اعدادی گفته می شود که چگونگی و موقعیت خود را شرح دهند.این اعداد در زبان خلجی تابع قاعده معینی است و علامت آن «دکی/**deki** می باشد. مانند:

latin	خلجی	فارسی	latin	خلجی	فارسی
bîbebî	بیٚ به بیٚ	یکی یکی	bîdeki	بیٚ دکی	اولی
ekki ekki	اککی اککی	دو به دو	ekkédeki	اککئ دکی	دومی
üç üç	اوٚچ اوٚچ	سه به سه	üçdeki	اوٚچ دکی	سومی
on on	اوٚن اوٚن	ده به ده	törtdeki	تؤرت دکی	چهارمی
yüz yüz	یوٚز یوٚز	صد به صد	béşdeki	بئش دکی	پنجمی
---	--	--	altadeki	آلتا دکی	ششمی

• ساختار اعداد کسری واعشاری

الف)– اعداد کسر فرمول : مخرج کسر + (دا/ده/Da/De) صورت کسر

اعداد کسری به اعدادی گفته می شود که کمتراز یک باشند. اعداد کسری اعم از اعشاری و متعارفی بخش عمده ای ازاعداد هستند و بدون آن نمی‌توان منظور خود را رساند. اعداد کسری معروف در خلجی عبارتنداز:

واچاق/vaçaḳ (نیم) یا یک دوم، تؤرت ده بیٚ/törtde bî یا چاراک/çarak یک چهارم ،از چهار یکی)، بئش‌ده بیٚ/béşde bî یا پنجا/penca یک پنجم، از پنج، یکی)، اوچ ده بی(یک سوم).

همان طور که ملاحظه می شود حالت مفعولی +دا/ده/ **Da/De**، از علائم ساخت اعداد کسری ومتعارف در خلجی محسوب می شوند. براساس فرمول فوق ابتدا مخرج کسر به اضافه حالت مفعولی(دا/ده) بیان می‌شود،آنگاه صورت کسر بیان می شود.مانند: یک هشتم که می خوانیم سککیزده بیٚ. سه هشتم=سککیزده اوچ .

ب)– اعداد اعشاری: رایج ترین فرم مورد استفاده، x/5 ، به عنوان بخشی از شماره کل،به دنبال آن vaçaḳ خوانده می شود. تنها استثنا در این مورد ۰/۵ است که مانند دیگر عدد اعشاری خوانده می‌شود.

عدد اعشاری مانند۵/۴ (پنج و ممیز چهار دهم) را در [ترکی]خلجی به یکی از صورتهای زیر می‌خوانیم:

ابتدا بخش کل از شماره خوانده می‌شود و پس از آن بخشی ازعدد اعشاری که با گفتن ممیز/ mümeyyiz. قرائت می‌گردد. معمولا ممیز/mümeyyiz به معنی نقطه اعشاری است، و این کلمه برای جدا کردن بخشی کامل و بخشی از کسر یک عدد مورد استفاده قرار می‌گیرد.مانند:

«بئش ممیز تؤرت/béş mümeyyiz tört» وعدد ۱۱/۷(یازده ممیز هفت دهم) اوْن بیّ ممیز یئتی/on bî mümeyyiz yéti خوانده می شود. همچنین برخی از مردمان خلج اعداد اعشاری را بشکل بدی‌ن شکل نیز می‌خوانند: عدد۵/۴ (پنج و ممیز چهار دهم) را«بئش و اوندا تؤرت/béş ve onda tört» یا «بئش ممیز اوندا تؤرت/ béş mümeyyiz onda tört».

و عدد ۷/۲۵ هفت ممیز بیست وپنج صدم را می‌خوانیم یئتی ممیز یوْزده ییگیرمی بئش/ yéti mümeyyiz yüzde yigirmi beş ویا یئتی و یوزده ییگیرمی بئش/ yéti ve yüzde yigirmi béş و عدد۳/۶ سه و شش دهم را می‌خوانیم :اوْچ ممیز اوندا آلتا/ üç mümeyyiz onda alta.

ج)– درصد :در مورد عدد صد، اگر مبنا صد باشد، مفهوم درصد از آن استخراج می‌شود مانند: یوزده اون (ده در صد)، یوزده اللی (پنجاه در صد)، یوزده توقسان توققوز (نود و نه در صد)، یوزده یوز (صد در صد). البته گاهی کلمه رصد را درانتهای آن می افزایند. مانند: یوزده بئش رصد (پنج درصد) ،یوزده ییگیرمی رصد(بیست درصد).

– عدد درنقش فعل: ازتوانمندی های زبان خلجی ساختن فعل ازعدد است. اگرپسوند(لا،له) به عدد بچسبد ازآن عدد فعل ساخته می شود.مانند.بی‌لمک(یکی کردن)،اککئ

لمک (دوتایی کردن، دوبله کردن)،اوچ لمک(سه تایی کردن)، توققوزلاماق(نه تایی کردن)، پاللاماق (نصف کردن) ، بئشله مک (پنج برابر کردن).

عمل جمع:

۵=۲+۳ (سه به علاوه دو می‌شود پنج.)(اوچ، اوستئ اککی یئکه گه، اولور بئش).

۸=۳+۵ (پنج بعلاوه سه می‌شود هشت)(بئش، اوستئ اوچ یئکه گه اولور سککیز) .

عمل تفریق:

۴=۲- ۶ آلتادا، اککی هونک ، اولور تؤرت). (شش منهای دو می‌شود چهار).

۳=۱-۴ (تؤرت ده،بیّ هؤنک اولور اوچ).(چهار منهای یک می‌شود سه).

۳- =۴-۱ بیّ ده تؤرتو هؤنکگه اولور منفی اوچ. (یک منهای چهار می‌شود منهای سه).

• اسم مصدر(آت فعل/اسم فعل)در خلجی

کلمه‌ای‌که دلالت کند برکاری یاحالتی که از مصدرحاصل مـی‌شـود. در ترکـی‌خلجـی کلماتی که دارای حروف صدادارخشن هستند مصدر آنها با پسوند«ماق/maḳ» و کلمـاتی که دارای حروف صدادار نرم هستند مصدر آنها با پسوند«مک/mek» ختم می شود.

همچنین از پی افزوده های: (مه/me ، ما/ma)-(گؤ/gü ،گؤر/gür غـور/ġur)- (اؤم /üm ، ایم/im)- (دؤک/dük،دیک/ dik ،دوق/duḳ)- (اوش/uş ، اؤش/üş ،ایش /iş) نیز می‌توان به عنوان علائم‌مصدری درترکی خلجی ذکر نمود.

۱۵.فعل در زبان خلجی

«فعل،به وقوع یا انجام‌کاری‌در زمان خاص دلالت دارد». فعل،شامل تمام اشکال وقوع و حدوث و تغییرات و تبدیلات و جنبش‌هایی‌است که موجودات زنده یا بی‌جان، مـادی یـا معنوی در بستر زمان و مکان از خود بروز می‌دهندیا آنرا می پذیرند. بـا فعل،یـک جملـه معنا و مفهوم پیدا می‌کند.

برای یافتن ریشه فعل درزبان ترکی‌خلجی‌کافی‌است که از آخر کلمات مصدری، علائـم مصدری(ماقmaḳ یامک/mek)راحذف‌کنیم تا این ریشه دست آید. مانند:

تورماق (بلندشدن) tur maḳ یئمک(خوردن) yé mek

ایچ مک (نوشیدن) iç mek وارماق(رفتن var maḳ

اشکال افعال(فعللر شکلی/Féller şıkli

افعال در زبان ترکی خلجی از نظرشکل ساختمانی به سه گروه تقسیم می‌شوند: ساده ، پیوندی، مرکب.

۱،۱۵.افعال ساده (سادا فعللر/Sada Féller)

افعالی هستندکه از یک ریشه‌ی بسیط تشکیل شده باشند. مانند: مصدرهای فعلی یازماق /yazmaḳ (نوشتن)، واقماق/vaḳmaḳ (نگاه‌کردن)،آلماق/almaḳ (گرفتن)، بیلمک/bilmek (دانستن).

۱۵،۲. افعال پیوندی(شکلک لیک فعللر / Şikleklik Féller)

افعالی هستندکه با الحاق پیوندهای توصیفی به آخرکلمات وصفی یا فعلی ایجاد می‌شوند.

أ) پیوندهای دوشکلی(له / Le - لا/La)

از پیوندهای بسیار پرحاصل بوده و با الحاق به آخرکلمات وصفی مختلف افعالی مرتبط با مدلول این کلمات به وجود می‌آورند. مانند:

باش‌لاماق(آغازکردن)	baş+la+maḳ=başlamaḳ
ساپ‌لاماق (نخ درسوزن‌کردن)	sap+la+maḳ =saplamaḳ
پیس‌له مک(بدگفتن،تقبیح‌کردن)	pis+le+mek= pislemek
توزلاماق (نمک زدن)	tuz+la+maḳ = tuzlamaḳ
تیش‌له‌مک (گاز گرفتن)	tiş+le+mek= tişlemek
یاستولاماق(تحقیرکردن)	yastu+la+maḳ= yastulamaḳ

ب) پیوند دوشکلی(آل / Al - آر / Ar)

با الحاق به‌آخر یک رشته ازصفات، افعالی را تشکیل می‌دهند که برای بیان تغییرحالت به کار می‌رود. مانند:

بۆشارماق(بلدبودن،واردبودن،توانستن)	boş+ar+maḳ =boşarmaḳ
بۆشالماق(شل شدن،تخلیه شدن،طلاق گرفتن)	boş+al+maḳ=boşalmaḳ
بۆزارماق (رنگبرنگ شدن)	boz+ar+maḳ=bozarmaḳ
هازالماق (کم شدن)	haz+al +maḳ=hazalmaḳ

ج) پیوند سه شکلی(اوق/ایق/Uḳ/Iḳ ، لن/Len ،سا/Sa

به‌آخر یک رشته ازصفات می پیوندند .مانند:

داروقماق/داریقماق(دلتنگ شدن)	dar+uḳ(ıḳ)+maḳ=daruḳmaḳ/darıḳmaḳ
هَولنمک(متأهل شدن)	hev+len+mek= hevlenmek
کۆچ لنمک(زورآزمایی کردن،فشارآوردن)	küç+len+mek=küçlenmek
پورساماق(پژمرده شدن)	pur+sa+maḳ=pursamaḳ

د) پیوند چهارشکلی(یر/Ir ،یر/İr،اور/Ur ،اۆر/Ür

به‌آخر یک رشته ازصفات می پیوندند .مانند:

بَغیرمک(صدای بع بع درآوردن)	beġ+ir+mek=beġirmek
جیغیرمک(جیغ کشیدن)	ciġ+ir+mek=ciġirmek
بۆگۆرمک(نعره زدن)	bög+ür+= bögürmek
چاقیرماق(صداکردن)	çaḳ+ır+maḳ=çaḳırmaḳ
فینخورماق(فین کردن)	fınĥ+ur+maḳ=fınĥurmaḳ

۱۵،۳. افعال مرکب(مرکب فعل‌لر/Mürekkeb féller)

افعالی هستند که ازتلفیق یک‌یا چندکلمه با یکی ازافعال معین به وجود می‌آیند، معنی و مفهوم کاملا مستقلی را درکلام بیان می‌دارند. مانند:

الده‌کلمک(ازدست برآمدن)	elde+kelmek
هاداقدا توشمک(ازپاافتادن)	hadaḳda+tüşmek
یوْلقا هاتماق(بدرقه کردن،راه انداختن)	yolḳa+hatmaḳ

۱۶. اقسام فعل ازنظرساختار زمانی

در[ترکی]خلجی فعل به اعتبار زمان به چهار دسته تقسیم می‌شود:
زمان حال،گذشته، مضارع وآینده(مستقبل،کلن)که هرکدام از این زمان‌ها به‌بخش‌ها و زیــر مجموعه‌های مختلف تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

۱،۱۶. زمان حال (تئمی‌کی زامان)/Témiki zaman

فعلی است‌که از انجام ویا وقوع‌کاری در زمان حال خبر می‌دهد. در ترکی خلجی به‌دو نوع به شرح ذیل تقسیم می شود:

علی مشق می‌نویسد. eli meşḳ yazor.

زمین بدورخورشید می‌چرخد (هرسه زمان). yér künin devriy tolġanıyor.

زمان حال ساده درمیان خلج ها به سه مدل‌صرف می‌شود که ما در این بخش به هرسه نوع آن اشاره می‌کنیم.

مدل‌اول: در این‌مدل با افزودن(اوْ/o) در بن‌فعل و شناسه پدید می‌آید. چنانچه آخرین حرف بن فعل صدا دار باشد بعدازآن‌حرف ی/y قرار می‌گیرد وسپس (او/o) نوشته می‌شود.

مدل اول: صرف افعال یازوم/yazom(می‌نویسم)،پوزوْم/puzom (پاک می‌کنم) از مصدرهای یازماق/yazmaḳ و پوزماق/puzmaḳ

puz-o-m	پوزوْم	yaz-o-m	یازوْم
puz-o-ńyn	پوزوْینْ	yaz-o-ńyn	یازوْینْ
puz-o-r	پوزوْر	yaz-o-r	یازوْر
puz-o-ḳ	پوزوْق	yaz-o-ḳ	یازوْق
puz-o-ńiz/yiz	پوزوْیز	yaz-o-ńiz/yiz	یازوْیز

puz-o-rlar	پوزۆرلار	yaz-o-rlar	یازورلار

توجه: درگویش شفاهی‌حرف(ر/r)سوم شخص‌جمع فعل‌مضارع به (ل/l) تبدیل می‌شود.

مثال

yazorlar ⟶ yazollar

مدل دوم: دراین مدل‌حال‌ساده با افزودن (اۆر/or) به بن‌فعل وشناسه پدید می‌آید.

صرف افعال یازوم/yazor (می‌نویسد) وپوزۆر/puzor (پاک می‌کند) از مصدرهای یازماق/yazmaḳ و پوزماق/puzmaḳ

puz-or-um	پوزۆروم	yaz-or-um	یازۆروم
puz-or-uń/ıń	پوزۆرینْ	yaz-or-uń/ıń	یازۆرینْ
puz-or-	پوزۆر	yaz-or-	یازۆر
puz-or-uḳ	پوزۆروق	yaz-or-uḳ	یازۆروق
puz-or-uńiz/îz	پوزۆریز	yaz-or-uńiz/îz	یازۆریز
puz-or-lar	پوزۆرلار	yaz-or-lar	یازۆرلار

توجه: درگویش شفاهی اغلب دوم شخص‌جمع بشکل مخفف بیان می‌شود.). مثال

yazoruńiz ⟶ yazorîz
keloruńiz ⟶ kelorîz

مدل سوم: دراین مدل حال ساده با افزودن (ایۆر/ıyor) به بن‌فعل و شناسه پدید می‌آید.

kel+iyor ⟶ keliyor کلی‌یۆر(می‌آید).

صرف افعال یۆرۆیۆر/yürüyor(راه می‌رود)وبیلی‌یۆر/biliyor (می‌داند) از مصدرهای یازماق/yürümek و بیلمک/bilmek

bil-iyor-um	بیلی‌یۆروم	yür-üyor-um	یۆرۆیۆروم
bil-iyor-uń/ıń	بیلی‌یۆرینْ	yür-üyor-uń/ıń	یۆرۆیۆرینْ
bil-iyor-	بیلی‌یۆر	yür-üyor-	یۆریۆیۆر
bil-iyor-uḳ	بیلی‌یۆروق	yür-üyor-uḳ	یۆریۆیۆروق

bil-iyor-uńiz/îz	بیلی‌یۆریز	yür-üyor-uńiz/îz	یۆرۆیۆریز
bil-iyor-lar	بیلی‌یۆرلار	yür-üyor-lar	یۆرۆیۆرلار

۱۶،۲.فعل ماضی(کچمیش زامان / Keçmiş Zaman)

ماضی فعلی‌است‌که انجام‌کار یا داشتن و پذیرفتن‌حالتی را در زمان گذشته می‌رساند. برای همین آن را به نام‌های ماضی مطلق،ماضی‌خبری و ماضی شهودی هم می‌گویند.

أ). زمان گذشته ساده (مطلق)

گذشته ساده توصیف کننده اقداماتی است که به اتمام رسیده است. برای مثال اقداماتی که قبلال اتفاق افتاده است؛ دیروز، هفته گذشته و یا زمان طولانی‌تر است.
پسوندی که برای ایجاد این زمان استفاده می شود 'دی/Di' است. از فرمول: بن فعل + پسوند (دی/dı) ایجاد می‌شود.

• پسوند «دی/'di» با توجه به هماهنگی واکه ای تغییر خواهد کرد، ویا به؛- / di -dı / dü / -du تبدیل می شود.

• اگر بن فعل با حروف بی صدای« p t k ḳ s h » به پایان برسد D به T تبدیل می شود.

مانند:صرف افعال یازدوم/yazdum (نوشتم) واؤپتۆم/öptüm(بوسیدم)ازمصدرهای‌فعلی یازماق/yazmaḳ و اؤپمک/ öpmek :

öp-tüm	اؤپتۆم	yaz-dum	یازدوم
öp-tüń	اؤپتۆینْ	yaz-dıń	یازدینْ
öp-tü	اؤپتۆ	yaz-dı	یازدیْ
öp-tük	اؤپتۆک	yaz-duḳ	یازدوق
öp-tüńiz(tîz)	اؤپتیز	yaz-dıńiz/dîz	یازدیز
öp-tüler	اؤپتۆلر	yaz-dılar	یازدیْ لار

ب) ماضی استمراری/Davamluğ keçmiş zaman

این فعل در زمان گذشته انجام گرفته و تداوم و استمرار داشته است. در میان خلج ها دو مدل گذشته استمراری مشاهده می‌شود. هر دو نمونه در حال حاضر زنده و مورد استفاده قرار می‌گیرند. زمان گذشته استمراری با اضافه کردن پسوند« آت/At یا آر/Ar» بلافاصله پس از فعل سوم شخص مفرد مضارع گسترده(آینده غیرقطعی)تشکیل می‌شود.

مدل اول: سوم شخص مفرد فعل مضارع + ات/At + شناسه شخصی ماضی ساده مانند:

می نوشتم یازاراتتوم/yazar+at+tum = yazarattum

می کردم ائته‌ر اتتیم/éter+et+tim = éterettim

این مدل بیشتر در روستای تلخاب وبرخی از روستاها رایج است.

صرف افعال یازاراتتیْ/yazarattı (می‌نوشت) و ائته‌راتتیم/éterettim (می‌کردم) ازمصدرهای فعلی یازماق/yazmaḳ و ائتمک/étmek

یازاراتتوم	yaz-arat-tum	ائته‌راتتیم	ét-eret-tim
یازاراتتینْ	yaz-arat-y-tiṅ	ائته‌راتتین	ét-eret-tiṅ
یازاراتتیْ	yaz-arat-tı	ائته‌راتتی	ét-eret-ti
یازاراتتوق	yaz-arat-tuḳ	ائته‌راتتیک	ét-eret-tik
یازاراتتیز	yaz-arat-tıṅiz/tîz	ائته‌راتتیز	ét-eret-tiṅiz/îz
یازاراتتولار	yaz-arat-tılar	ائته‌راتتی‌لر	ét-eret-tiler

مدل دوم: سوم شخص مفرد فعل مضارع + آر/Ar + شناسه شخصی ماضی ساده

می نوشتم یازارآرتوم/yazar+ar+tum = yazarartum

می کردم ائته‌ر ارتیم/éter+er+tim = éterertim

صرف افعال یازارارتوم/yazarartum (می‌نوشتم) و ائته‌رارتیم/éterertim (می‌کردم) ازمصدرهای فعلی یازماق/yazmaḳ و ائتمک/étmek

ét-erer-tim	ائته‌رارتیم	yaz-arart-um	یازارارتوم
ét-erer-tiń	ائته‌رارتین	yaz-arar-tuy	یازارارتوی(ن)
ét-erer-ti	ائته‌رارتی	yaz-arar-tı	یازارارتیْ
ét-erer-tik	ائته‌رارتیک	yaz-arar-tuḳ	یازارارتوق
ét-erer-tińiz/îz	ائته‌رارتیز	yaz-arar-tıńiz/îz	یازارارتیز
ét-erer-tiler	ائته‌رارتیلر	yaz-arar-tılar	یازارارتولار

●شایان ذکراست که شناسه های ماضی ساده در ساختار ماضی استمراری نرم ترشده وD به T تبدیل می شود.

پ) ماضی نقلی/Neğli keçmiş zaman

برای بیان کاری‌که در گذشته انجام گرفته، اینک اثر و نتیجه‌ی‌آن بصورت داستان و روایت نقل می‌شود. به شکل زیرساخته می‌شود:

بن فعل +پسوندهای(miş,mış,muş,müş)+ شناسه به عبارت دیگر از صفت مفعــولی فعل اصلی به اضافه ساختار مضارع التزامی فعل معین (امک/آماق)حاصل می شود. صــرف افعال اۆلموشام (شده‌ام)و کلمیشم(آمده‌م) از مصدرهای فعلی:

اۆلماق/olmaḳ وکلمک/kelmek .

kel-miş -em	کلمیشم	ol-muş-am	اۆلموشام
kel-miş-eń	کلمیش‌اَینْ	ol-muş-ań	اۆلموشاینْ
kel-miş	کلمیش	ol-muş-	اۆلموش
kel-miş-ek	کلمیشک	ol-muş-aḳ	اۆلموشاق
kel-miş-eńiz	کلمیش‌اَیز	ol-muş-ańiz	اۆلموشایز
kel-miş-eller	کلمیش‌اللر	ol-muş-allar	اۆلموشاللار

ت)– ماضی بعید یا گذشته دور/Uzaḳ keşmiş

این فعل اغلب انجام گرفتن کار یا داشتن و پذیرفتن حالتی‌را در گذشته‌ی‌دور پیش از فعل‌دیگر بیان می‌کند.کهنه‌ترین و دیرین‌ترین زمان‌ها محسوب می‌شود.

نشانه‌آن درترکی‌خلجی‌ماضی نقلی‌یا ازصفت مفعولی فعل اصلی به اضافه‌ی پسوند آر/ar یا اَر/er و شناسه فعل ماضی می‌باشد.

صرف افعال کلمیش ارتیم (آمده بودم)ازمصدرکلمکkelmek

کلمیش اَرتیم	kelmiş-er- tim
کلمیش اَرتینْ	kelmiş-er-tiń
کلمیش اَرتی	kelmiş-er-ti
کلمیش اَرتیک	kelmiş-er-tik
کلمیش اَرتیز	kelmiş-er-tińiz/ertîz
کلمیش اَرتیلر	kelmiş-er-tiler

درلهجه خلجی روستای تلخاب وچند روستای دیگر ماضی بعید، از ماضی نقلی + به اضافه پسوندهای ماضی ساده حاصل می‌شود.

برای‌منفی‌کردن ماضی‌بعید،پیوند منفی‌ساز دوگانه «ماتوق/متیک» را بعد از بن فعلی و قبل از دیگر پیوندها می‌آوریم. مانند:

var-muş-am ⟶ vâr-muş-tum

قارشو بالوق سنی وطن بیلمیشتیم،

وطن هایمیش کؤزیاشومو تؤکموشتوم.

صرف افعال وارموشتوم /vârmuştum وکلمیشتیم/kelmiştim از مصدرهای وارماق/varmaḳ وکلمک/kelmek

وارموشتوم	vâr-muş-tum	کلمیش‌دیم	kelmiş-tim
وارموشتین	vâr-muş-tiń	کلمیش‌دینْ	kelmiş-tiń
وارموشتو	vâr-muş-tu	کلمیش‌دی	kelmiş-ti

kelmiş-tik	کلمیش‌دیک	vâr-muş-tuḳ	وارموشتوق
kelmiş-tiṅiz/îz	کلمیش‌دیز	vâr-muş-dıṅiz/îz	وارموشتیز
kelmiş-tiler	کلمیش‌دیلر	vâr-muş-tular	وارموشتولار

در ترکی خلجی گونه های دیگر ماضی بعیدعبارتنداز:

۱)ماضی بعید مستمر شرطی۲) ماضی بعید مستمر غیرشرطی۳) ماضی بعید ابعد (اوزاق راققا کئچمیش) می باشد.

۱۶/۳– زمان مستقبل‌آینده/Kelen zaman

مستقبل فعلی است که انجام گرفتن کار یا داشتن و پذیرفتن حالتی را در زمان‌آینده می‌رساند. از نظر اینکه از وقوع آن درآینده مطمئن باشیم یا نه،از نظراینکه همیشگی باشد یا در محدوده زمانی خاص صادق باشد، تقسیم‌بندی متنوعی‌دارد. در زبان ترکی به‌آن گله جک زامان می‌گویند،در خلجی نیز ما به آن «کلن‌زامان/kelen zaman »نام نهاده‌ایم. مانند: کلن های (ماه آینده)کلن هافتا(هفته آینده).

أ). آینده غیرقطعی یا مضارع گسترده

این فعل وقوع کار یا داشتن و پذیرفتن حالتی را در زمان حال یا آینده و بندرت در زمان گذشته و هر سه زمان می‌رساند. به‌همین دلیل درترکی استانبولی به‌عنوان‌گنیش زامان/ géniş zaman یا زمان وسیع معروف است. نحوه ساختن آن در خلجی بصورت زیر می‌باشد:

بن فعل بعلاوه یکی‌از پسوندهای(a,é,u,e,ı,i)به ریشه فعل وشناسه حاصل می‌شود. با رعایت قواعد هماهنگی اصوات.مثال:

درختان شکوفه می‌کنند. **هاغاچ لار گول هاچار./** haġaçlar gul haçar.

eger vaĥt éttim çaşt`da söre sizke kelim.

اگر وقت کردم بعداز ظهر به‌خانه شما می‌آیم.

درد منی کؤنده‌ریرآمما آتیٖ یوٖق **اولارکی آغزومچا یاشام تاتیٖ یوٖق**

صرف افعال یازار (می نویسد)وکدەر(می پوشد) ازمصدرهای یازماق/yazmaḳ (نوشتن) و کدمک /kedmek پوشیدن:

یازام	yaz-a-m	کدەم	ked-e-m
یازاین	yaz-a-ńı	کدەینْ	ked-e-ńı
یازار	yaz-a-r	کدەر	ked-e-r
یازامیز	yaz-a-mız	کدەمیز	ked-e-miz
یازایز	yaz-a-ńız/îz	کدەیز	ked-e-ńız/îz
یازارلار	yaz-a-rlar	کدەلر	ked-e-ler

ب) آینده قطعی

وقوع فعل‌درآینده، قطعی‌است و گوینده با اطمینان به وقوع‌آن سخن می‌گوید. نشان آن درترکی پیوند دوگانه «آجاق/اجک» است. آینده قطعی در میان خلج ها به دو مدل ساخته و مورد اسفاده قرار می‌گیرد:

مدل‌اول: در این مدل پیوند دوگانه شرطی«سا/sa یا سه/se» به بن فعل اضافه شده سپس کلمه کره‌ک /kerek را بدنبال‌آن می‌آوریم. مانند:

ayıdça baluḳḳa var**sa**m kerek. عایودچا بالوققا وارسام کره‌ک.

عید قطعا به روستا خواهم رفت.

برای منفی سازی نیز از پیوند دوگانه «ما/مه»پس از بن اصلی فعل اقدام می‌کنیم.مثل:

عاییدچا بالوققا وارماسام کره‌ک. (عید به روستا نخواهم رفت).

صرف فعل کلسم کرک (خواهم آمد)ازمصدرکلمک/kelmek(آمدن)

کلسم کره‌ک	kel-sem-kerek
کلسه‌ینْ کره‌ک	kel-seń-kerek
کلسه‌کره‌ک	kel-se-kerek
کلسک کره‌ک	kel-sek-kerek

kel-seŋiz-kerek	کلسه‌یز کره‌ک
kel-seler-kerek	کلسه‌لر کره‌ک

مدل دوم: در این مدل پسوند دوگانه «قولوق/ķuluķ یا گیلیک/gilik » را به ریشه فعل افزوده آنگاه شناسه فعل را در پی آن می‌آوریم. مانند:

عایيدچا بالوق‌قا وارقولوقام/ . ayıdça baluķķa varķuluķam عید قطعا به روستا خواهم رفت.

برای منفی سازی نیز ،پسوند منفی ساز«داق/**daķ**»را درانتهای فعل آورده و سپس شناسه های شخصی را اضافه می‌کنیم.مثل: عایودچا بالوق‌قا وارقولوق داقام / ayıdça baluķķa varķuluķ **daķ**am .(عید به روستا نخواهم رفت).

صرف فعل کل‌گیلی‌کم (خواهم آمد)ازمصدرکلمک/kelmek (آمدن)

kel-gilik-em	کل‌گیلیکم
kel-gilik-eŋ	کل‌گیلیکه‌ین
kel-gilik-er	کل‌گیلیک ار
kel-gilik-ek	کل‌گیلیکه‌ک
kel-gilik-eŋiz/îz	کل‌گیلیکه‌یز
kel-gilik-eller	کل‌گیلیک اللر

پ). وجه التزامی یا کره‌ک‌لیلیک فعلی /Kereklilk Féli

وجهی است که انجام یا عدم انجام فعلی را بصورت الزام، شک،شرط، وآرزو و مانندآنها بیان می‌کند. وجه التزامی در زبان خلجی از دوم شخص مفرد فعل امر ساخته می‌شود.

ساختار این فعل از ترکیب دوم شخص مفرد فعل امر به اضافه پسوند«کا/KA» و شناسه‌های شخصی فعل با رعایت قواعد هماهنگی صدا ساخته می‌شود. در واقع افعال مصدری مک/mek پسوند «که/ke » وافعال مصدری ماق/maķ پسوند«قا/ķa » می‌پذیرند.مانند: کلمک/kelmek (آمدن) مصدر-یئکه/yéke (بیا) دوم شخص فعل

امر+گه/ge = یئکه‌گه /yékege (بیاید). برخی از این فعل به عنوان مضارع التزامی یا آینده التزامی نیز نام برده اند. مانند:

صرف افعال کؤرؤگه/ körüge (ببیند) و یازیقا/ yazıḳa (بنویسد)ازمصدر کؤرمک/ körmek و یازماق/yazmaḳ

کؤرؤگم	kör-üge-m	یازیقام	yazı-ḳa-m
کؤرؤگه‌ین	kör-üge-ń	یازیقاینْ	yazı-ḳa-ń
کؤرؤگه	kör-üge-	یازیقا	yazı-ḳa
کؤرؤگک	kör-üge-k	یازیقاق	yazı-ḳa-ḳ
کؤرؤگه‌یز	kör-üge-ńiz/yz	یازیقایز	yazı-ḳa-ńiz/yz
کؤرؤگه‌لر	kör-üge-ler	یازیقالار	yazı-ḳa-lar

ت). آینده التزامی

فعلی است که واقع شدن کار یا داشتن و پذیرفتن‌حالتی را در زمان‌آینده با شک،شرط، الزام وآرزو و مانندآنها بیان می‌کند. در زبان خلجی آینده یا مضارع التزامی دوگونه است:

- **آینده التزامی غیر شرطی**

از مکالمات روزمره مردمان خلج زبان می‌توان به دو مدل ازآینده التزامی غیرشرطی اشاره نمود که امروزه در میان آنان کماکان رایج است.

۱- مدل اول کلمه کرک/ kerek را بعد ازفعل مضارع التزامی می‌آوریم.

دراین مدل معمولا مخاطب عزم واراده خود را از انجام فعل درآینده در ذهن شنونده متبادر می‌سازد. در زبان ترکی از این وجه به عنوان géréklilik kipi شناخته می‌شود. در زبان خلجی نیز می‌توان از این مدل به‌عنوان آینده خبری یا التزامی قطعی ویا همانطور که ملاحظه می کنید «کرک‌لیک فعلی نام برد. مانند:

(باید بنویسم،لازم است بنویسم) یازیقام کرک/yazıḳam kerek

(باید نه نویسد،لازم است نه نویسد) یازماقا کرک /yazmaḳa kerek

(بایدبنوشی،لازم است بنوشی) ایچی‌گه‌ین کرک/ içigeń kerek

(باید نه‌نوشی،لازم است نه نوشی) ایچمه‌گه‌ین کرک /içmegeń kerek

۲- مدل دوم کلمه‌کرک/ kerek را قبل از فعل مضارع التزامی می‌آوریم.

(بایدبنویسد،لازم است بنویسد) کرک یازی‌قا/kerek yazıḳa

(باید نه نویسد،لازم است نه نویسد) کرک یازماقا /kerek yazmaḳa

(باید بنوشی،لازم است بنوشی) کرک‌ایچی‌گه‌ین/kerek içigeyŋ

کرک ایچمه‌گه‌ین /kerek içmegeyŋ

عدالت چیراغو هئچمه‌گه کرک حق بایداقو یئرکه توشمه‌گه‌کرک

نمونه‌های دیگر:

باید الناز بیاید.(لزوم) کره‌ک الناز یئکه‌گه. kerek ilnaz yékege.

شاید الناز بیاید. (شک) شاید الناز یئکه گه. şayed ilnaz yékege.

کاش علی قبول شود(آرزو). کاش کی علی قبول اولوقا. kaşki Eli ḳebül oluḳa.

بلکی علی هم بیاید.(استحسان). بلکی علی قبول اولوقا. belki Eli ḳebul oluḳa.

عالم اولقاین یولدوزلارقا ائرین سن

جاهیل قالقاین وارو یوقین ساتاین سن.

- **آینده التزامی شرطی**

این فعل وقوع کار یا داشتن و پذیرفتن حالتی را در زمان آینده به شرط وابسته می‌سازد.از بن فعل به اضافه پیوند شرطی دوگانه «سه/se،سا/sa » به اضافه شناسه فعل حاصل می‌شود.

eger ḳosayŋ bi hala boduya vaḳsam.

اگراجازه می‌دادی به قد رعنای تو می‌نگریستم.(عربگل)

صرف افعال بیلسم(بدانم،خواهم دانست و واقسام (به‌بینم،خواهم دید)

ازمصدرهای‌بیلمک /bilmek و واقماق /vaḳmaḳ

vaḳ-sa-m	واقسام	bil-se-m	بیلسم

vaḳ-sa-ŋ́	واقساین	bil-se-yŋ	بیلسه‌ین
vaḳ-sa-	واقسا	bil-se-	بیلسه
vaḳ-sa-ḳ	واقساق	bil-se-k	بیلسک
vaḳ-sa-ŋ́iz/yz	واقسایز	bil-se-ŋ́iz/yz	بیلسه‌یز
vaḳ-sa-lar	واقسالار	bil-se-ler	بیلسه‌لر

۵،۱۶.فعل امر /Emir féli

فعلی‌است که انجام دادن کاریا داشتن وپذیرفتن حالتی را بفرمان و تأکید یا خواهش و تکلیف و نصیحت طلب می‌کند، فعل امر فاقد پیوند زمان بوده و تنها پیوندهای شخص را می‌پذیرد.

مبحث فعل‌امر در زبان‌خلجی ازمهمترین ومشکلترین مباحث فراگیری این زبان بوده وساخت آن بسیار متفاوت از ساخت افعال امر در ترکی‌آذری وترکی استانبولی می باشد. زیرا بعد از پیدا کردن بن فعل حسب نوع فعل و حروف صداداری که درآن بکار رفته پسوندهای منحصر بفردی به آن افزوده می‌شود شاید بتوان گفت که افعال امر زبان خلجی حداقل بیش از ده تیپ تقسیم می‌شوند ازجمله:

تیپ ۱ : گروه فعلی پس از حذف علامت مصدر«مک/ماق» به انتهای ساقه فعل امر دوم شخص مفرد آنها پسوند «ایی/i » ومعادل آن افزوده می شود: مانند: افعال ؛وئرمک vérmek/ (دادن)، ازمک ezmek/ له‌کردن، کزمک kezmek/ گشتن،کؤرمک körmek/ دیدن ، آلماق almaḳ/ گرفتن و غیره که به صورت زیر صرف می‌شوند:

vér:dim	وئردیم	vér:dek	وئردک
vér`i	وئری	vér:diŋ́/dîz	وئردینْ
vér:te	وئرته	vér:teler	وئرته‌لر

تیپ۲ : گروه فعلی که پس از حذف علامت مصدر«مک/ماق» به نتهای ساقه فعل امر دوم شخص مفرد آنها پسوند «ایی/i یا ایر/îr» آن افزوده می شود مانند افعال:

سیقمک/siḳmek (فشاردادن)، باسماق/basmaḳ (فشار دادن) قوماق/ḳomaḳ واقماق/ vaḳmaḳ نگاه کردن، وایوماق/vayumaḳ بستن ،بکۆتمک/bekütmek بستن و غیره که به صورت زیر صرف می‌شوند:

siḳ:îr`dim	سیقیردیم	siḳ:îr`dek	سیقیردک
siḳ:îr	سیقیر	siḳ:îr`diń/dîz	سیقیردینْ
siḳ:îrte	سیقیرته	siḳ:îr`teler	سیقیرته‌لر

تیپ۳ : گروه فعلی که پس از حذف علامت مصدر«مک/ماق» به انتهای ساقه فعل امر دوم شخص مفرد آنها پسوند «اوپ/**Up** یا اوپا/**Up(A)**» و معادل آن افزوده می شود مانند افعال: هۆلمک/hölmek (مردن)،یوماق/yumaḳ (شستن)،ایلمک/eyilmek خم شدن، آیولماق/ayulmaḳ هوشیار شدن،آوونماق/âvunmaḳ تسکین یافتن، قالماق/ḳalmaḳ ماندن وغیره شکل زیر صرف می شوند:

höl`üperim	هۆلۆپریم	hölüp:erek	هۆلۆپره‌ک
hölüp(e)	هۆلۆپ(ه)	hölüp:eń	هۆلۆپه‌ین
hölüp:erte	هۆلۆپرته	hölüp:erteler	هۆلۆپرته‌لر

تیپ۴ : گروه فعلی که پس از حذف علامت مصدر«مک/ماق» به انتهای ساقه فعل امر دوم شخص مفرد آنها پسوند «آل/**al** یا ال/**el**» افزوده می شود مانند افعال:

توتماق/tutmaḳ (گرفتن)،یورماق/yormaḳ (نشستن)، کدمک /kedmek ، کۆتورمک/ kötürmek یا کۆدده مک/köddemek برداشتن،یوتماق/yutmaḳ بلعیدن، قاوورماق/ ḳavurmaḳ چیدن،یاپوشماق/yapuşmaḳ گرفتن وغیره به شکل زیر صرف می شوند:

tut:al-um	توتالوم	tut:alaḳ	توتالاق
tut:al	توتال	tut:alıń/dîz	توتالین
tut:al`ta	توتالتا	tut:altalar	توتالتالار

صرف فعل کدمک/kedmek پوشیدن.

کدەل‌اک	ked:el`ek	کدەلیم	ked:el`im
کدەل‌ینْ	ked:el`iń/dîz	کدەل	ked:el
کدەلتەلر	ked:el`teler	کدەلتە	ked:el`te

تیپ۵ : گروه فعلی که پس از حذف علامت مصدر «مک/ماق» به انتهای ساقه فعل امـر دوم شخص مفرد آنها پسوند «e/ا» افزوده می شود تعداداین افعال محدوداست. مانند افعال:
تۆرکمک/türkmek **(برخاستن)،هرکمـک/**herekmek **برداشـتن.بـه شـکل زیـر صـرف میشوند:**

تورک:الک	türk:elek	تۆرکلیم	türk:elim
تورکەین	türk:eń	تۆرک(ه)	türk(e)
تورکلتەلر	türk:elteler	تۆرکلتە	türk:elte

تیپ۶ : گروه فعلی که پس از حذف علامت مصدر «مک/ماق» به انتهای ساقه فعل امـر دوم شخص مفرد آنها پسوند «اک(ه)/ek(e) یا که/**ke» افزوده می شود مانند افعال:**
کیْرمک/kîrmek **(داخل‌شدن) کۆنمک/**könmek **(سوختن)ائرمک/**érmek **رسیدن، ائنمک/**énmek **پیاده شدن،هۆنمک/**hünmek **سوارشدن،تۆشمک/**tüşmek **افتادن وغیره به شکل زیر صرف می شوند:**

کیْرەکەلک	kîr:eke`lek	کیْرەکەلیم	kîr:eke`lim
کیْرەکەین	kîr:ekeń	کیْرەک(ه)	kîr:ek(e)
کیْرەکلتەلر	kîr:eke`lteler	کیْرەکلتە	kîr:eke`lte

صرف فعل ائرمک/érmek **رسیدن.**

ائرەکەلک	ér:eke`lek	ائرەکلیم	ér:eke`lim
ائرەکەینْ	ér:ekeń/yiz	ائرەک(ه)	ér:ek(e)
ائرە کلتەلر	ér:eke`lteler	ائرەکلتە	ér:eke`lte

تیپ۷ : گروه فعلی‌که پس از حذف علامت مصدر«مک/ماق» فعل امر آنها باحروف«یـۆ/yo یا یئ/yé و ه/h» آغاز می‌شود مانند افعـال: کلمـک/kelmek (آمـدن)،وارمـاق/varmaḳ رفتن، کلیتمک/kelitmek یا کتمک/ketmek آوردن. شایان ذکراست که تعداد این افعـال بسیارمحدود بوده و از انگشتان یک دست تجاوز نمی‌کند. و به شکل زیر صرف می شوند:

کلمک= یئک(ه)، وارماق=یۆو(ا)،کلیتمک=یئتیک(ه)

yéke`lim	یئکه‌لیم	yéke`lek	یئکه‌لک
yék(e)	یئک(ه)	yékeń	یئکه‌ینْ
yék`elte	یئکلته	yéke`lteler	یئکلته‌لر

صرف فعل وارماق/varmaḳ رفتن.

yova`rum	یۆواروم	yova`raḳ	یۆواراق
yov(a)	یۆو(ا)	yovań	یۆواینْ
yov`arta	یۆوارتا	yov`artalar	یۆوارتالار

صرف کتمک/ketmek (آوردن) لهجه تلخاب

hitikelüm	هیتی‌کلۆم	hitikelek	هیتی‌که‌لک
hitik(e)	هیتیک(ه)	hitikeń	هیتی‌که‌ینْ
hitkelte	هیتی‌کلته	hitikelteler	هیتیَکلته‌لر

تیپ۸ : گروه فعلی که پس از حذف علامت مصدر«مک/ماق» به انتهای ساقه فعل امـر دوم شخص مفرد آنها پسوند«اووَ/Uv یااووا/UvA» ومعادل آن افزوده می شود مانند افعال: یاتماق/yatmaḳ (خوابیدن)،یئتمک/yétmek بردن، به شکل زیر صرف می شوند:

yat:uv`arum	یاتو واروم	yat:uv`araḳ	یاتوواراق
yat:uv(a)	یاتو و(ا)	yat:uv`ań	یاتووا‌ین
yat:uv`arta	یاتو وارتا	yat:uv`artalar	یاتووارتالار

تیپ ۹ : گروه فعلی که پس از حذف علامت مصدر«مک/ماق» به انتهای ساقه فعل امــر دوم شخص مفرد آنها پسوند«پ/p یا پ(و)/pU» و معادل آن حسب قانون همــاهنگی اصــوات افزوده می‌شود مانند افعال: ســیّمک/sîmek شکــستن،هیّمک/hîmek درآوردن، یئمــک/yêmekخوردن،یوماق/yumaḳ شستن. به شکل زیر صرف می شوند:

sî:pi`dim	سیّپی‌دیم	sî:pi`dek	سیپی‌دک
sî:p(i)	سیّپی	sî:pi`diń/dîz	سیپی‌دینْ
sî:pi`te	سیّپی‌ته	sî:pi`teler	سیپی‌ته‌لر

صرف فعل یوماق/yumaḳ شستن.

yu:pu`dum	یوپودوم	yu:pu`daḳ	یوپوداق
yu:p(u)	یوپ(و)	yu:pu`dıń/dîz	یوپودینْ
yu:pu`ta	یوپوتا	yu:pu`talar	یوپوتالار

تیپ ۱۰ : گروه فعلی که پس از حذف علامت مصدر«مک/ماق» به انتهای ساقه فعل امــر دوم شخص مفرد آنها پسوند«ائی/éy یا ایی/ayi» افزوده می‌شود شایان ذکرست که اغلب ایــن افعال به حرف صدادار ختم می‌شوند.که درلهجه تلخاب حرف صــدادار پایــانی بــه «ائ/é » تبدیل می شود.(a -> é) مانند افعال: اوّیناماق/oynamaḳ رقــصیدن،سالاماق/sallamaḳ آویــزان کــردن، قاوزامــاق/ ḳavzamaḳ بلنــدکردن، پورســاماق/pursamaḳ پژمــردن شدن،این افعال به شکل زیر صرف می‌شوند:

ḳavz:éy-dim	قاوزئ‌دیم	ḳavz:éy`dek	قاوزئ‌دک
ḳavz:éy	قاوزئ	ḳavz:éy`diń	قاوزئ‌دین
ḳavz:éy`te	قاوزئ‌ته	ḳavz:éy`teler	قاوزئ‌ته‌لر

صرف فعل ساللاماق/sallamaḳ آویختن.

sallay(i)dim	ساللای دیم	sallayidek	ساللایدک
sallayi	ساللایی	sallayidîz	ساللایدیز

sallayi`te	سالاییته	sallayiteler	سالاییته لر

شایان ذکراست که در برخی از نقاط خلجستان افعال تورمـاق/turmaḳ (متوقـف شـدن و یورماق/ yormaḳ نشستن را به شکل زیر صرف می کنند که پرفسور دورفر از آن نیـز بـه عنوان یک تیپ جداگانه از تیپ(۴) فوق الذکر نام برده است.

بدین صورت گروه فعلی که پس از حذف علامت مصدر«مک/ماق» به انتهای ساقه فعل امـر دوم شخص مفرد آنها پسوند«ار/**ar** » افزوده می‌شود مانند: تورماقو یورماق

tular-um	تولاروم	tular-aḳ	تولاراق
tul`ar	تولار	tularıŋ/dîz	تولارین
tularta	تولارتا	tulartalar	تولارتالار